

تحلیل محتوای قطع نامه‌های دوره انقلاب

(از شهریور تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)

اسماعیل حسن زاده

(تاریخ دریافت ۸۵/۸/۱، تاریخ پذیرش ۸۶/۱۲/۲۲)

قطع نامه‌ها یکی از منابع مهم تاریخ انقلاب اسلامی است که، به دلیل جنبه‌های کاربردی‌اش در دوران تحولات انقلابی، ارزش دآوری و غرض‌ورزی در آن‌ها راه نیافته است. تحلیل قطع نامه‌ها در کنار سایر منابع مشابه، همچون دیوار نوشته‌ها و شعارها، می‌تواند ابعاد جدیدی را در مطالعات انقلاب اسلامی بگشاید. با توجه به ارزش تاریخی این دسته از منابع، مقاله حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا سیر خواسته‌ها و مواضع انقلابیون را در شش ماههٔ واپسین حکومت بهلوی تبیین نماید. قطع نامه‌ها نشان می‌دهد که خواسته‌ها و مواضع انقلابیون در این مدت از صنفی به سیاسی و از سلبی به ایجابی در حال دگرگونی است. هرچه زمان پیروزی نزدیک می‌شد، قطع نامه‌ها نیز اغلب خواسته‌های سیاسی ایجابی را مطرح می‌کردند.

مفاهیم کلیدی: قطع نامه، انقلاب اسلامی ایران، شعارها، تحلیل محتوا.

۱. بیان مسئله

سرکوب اعتراضات مردمی در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، ضمن پایان دادن به مبارزات قانونی گروه‌های سیاسی، امیدواری طبقات متوسط (جدید و سنتی) و پایین جامعه را برای بهبود اوضاع سیاسی و توزیع عادلانه قدرت به یأس مبدل ساخت و نشان داد که رژیم به هیچ وجه حاضر به بهره‌گیری از مجاری و ابزارهای قانونی برای ادامهٔ حکومت نیست. قیام ۱۵ خرداد فرصت بازخوانی پروندهٔ مبارزات سیاسی نسل پیشین را برای مبارزان فراهم ساخت. در این بازخوانی به‌طور مشخص دو

نوع تاکتیک برای مبارزه مطرح گردید: یکی مبارزه مسلحانه بود که توسط گروه‌های سیاسی تازه بنیاد روشنفکران و تحصیل‌کردگان جوان مطرح شد و به فرجامی نرسید. دومی مبارزات سیاسی-فرهنگی توأم با آگاهی‌بخشی به مردم بود که توسط امام خمینی و تعدادی از روشنفکران دینی اتخاذ گردید. این دسته از مبارزان نیز هدف خود را بر ساقط کردن رژیم متمرکز ساخته بودند. این شیوه بنابر ماهیت خود تاکتیک‌های غیر خشونت‌آمیز اتخاذ کرده بود. مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، هیئت‌های مذهبی، ایام مذهبی (اعیاد و عزاداری‌ها)، مدارس علوم دینی محفل‌های پیگیری چنین استراتژی بود که توسط تعدادی از روحانیان، روشنفکران، فرهنگیان، بازاریان، کارمندان و کارگران متدین انقلابی در گوشه کنار ایران تبلیغ می‌شد.

هر استراتژی بنا به ماهیت، اهداف و ایدئولوژی خود برای تحقق بخشیدن به تاکتیک‌هایش از ابزارهای خاص بهره می‌گیرد. مبارزه دست‌کم از دو مرحله می‌گذرد: در مرحله اول، استراتژی غیر خشونت‌آمیز در دوران سرکوب شدید از طریق تکاپوهای محفلی محدود و با پخش اعلامیه، نوار، سخنرانی در صدد جذب توده‌ها و فعال نگه داشتن توانمندی‌های مبارزاتی بر می‌آید. هدف این دوره آگاهی‌بخشی به توده‌ها و ایجاد نوعی همدردی و همسانی باورهای توده مردم با اندیشه‌های انقلابیون پیشرو است. در مبارزات مسلحانه این مرحله با ترورهای تهییجی و بمب‌گذاری‌ها تحقق می‌یابد. این مرحله با توجه به اهداف و ماهیتش بطیء و طولانی‌مدت است و نیازمند حاملان انقلابی سرسخت، پیگیر و متدین به اصول انقلاب است. ایدئولوژی، رفتارها، اهداف و تاکتیک‌های گروه انقلابی نقش مهمی در جلب و جذب توده‌ها به سوی انقلاب ایفا می‌کند. مرحله دوم عملیاتی کردن و عینیت بخشیدن به باورهای انقلابی توده‌ها است. در این مرحله، گروه‌های انقلابی علاوه بر زدودن تزلزل‌های احتمالی توده‌ها، با سخنرانی‌های آتشین و تظاهرات و اعتصابات گسترده و زنجیره‌ای انقلاب همه‌جانبه به وجود می‌آورند. بر اثر طولانی شدن این مرحله، لایه‌ها و ابعاد جدیدی از تاکتیک‌ها مطرح می‌شود. برای نمونه، اعتصاب که یکی از تاکتیک‌های مبارزاتی است در جریان انقلاب اسلامی به‌ویژه از تابستان ۱۳۵۷ به صورت‌های مختلف تجلی یافت، اعتصاب کاری، کم‌کاری، خراب‌کاری عمومی در جریان مدیریت و تولید، اعتصاب غذا، روزه سیاسی، خاموش کردن برق بازار، ادارات و کارخانه‌ها، اعتصاب نشسته در محیط کار و تحصیل از آن جمله است.

در مرحله دوم، انقلابیون مواضع، دیدگاه‌ها و خواست‌های خود را در قالب بیانیه، اعلامیه، قطع‌نامه، پلاکارد، پارچه‌نویسی، دیوارنویسی، شعار، جزوات، شب‌نامه، رساله، سخنرانی و غیره اعلام می‌دارند. این عناصر داده‌های تاریخی ارزشمندی برای مطالعات تاریخی و اجتماعی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. با توجه به این‌که این منابع در بنبوحه تحولات انقلابی

تولید شده بخشی از علل انقلاب را بدون هر گونه دست‌کاری‌ها و ارزش‌دواری‌های بعدی در خود محفوظ نگه می‌دارد. تاکنون پژوهش‌های محدودی بر روی این دسته از منابع صورت گرفته است. دربارهٔ شعارها فقط دو کار ارزشمند صورت گرفته است. یکی با نام فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است. این اثر شعارها را بدون هیچ‌گونه تحلیلی گردآوری کرده است و مواد خام برای تحلیل پژوهشگران فراهم ساخته است. اثر دوم با نام جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی توسط محمدحسین پناهی تألیف و منتشر شده است که به‌نوبه خود کاری ارزشمند در این حوزه است. یک مقاله دربارهٔ شعارها و دو اثر دربارهٔ دیوار نوشته‌ها منتشر شده است که مشخصات آن‌ها در پایان مقاله آمده است. اما دربارهٔ قطع‌نامه‌های انقلاب اسلامی تاکنون هیچ اثری اعم از گردآوری یا تحلیلی صورت نگرفته است. شناخت و شناسایی قطع‌نامه‌ها و سایر قالب رسانه‌ای دوران انقلاب می‌تواند مکمل و مؤید یا ردکنندهٔ بسیاری از ادعاها باشد. به سخن دیگر، پژوهش‌های کمی و کیفی در مورد این داده‌های تاریخی مهم می‌تواند به بسیاری از پرسش‌های موجود و شبهات احتمالی به صورت علمی و بی‌طرفانه پاسخ دهد.

این مقاله درصدد است تا با تحلیل محتوا به این پرسش پاسخ گوید که مواضع و خواسته‌های توده‌های انقلابی در طول شش ماه پایانی انقلاب (از شهریور تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) در قطع‌نامه‌ها چه روندی داشت؟ و از قطع‌نامه‌های انقلاب چه استنباط‌هایی به‌دست می‌آید؟

۲. چارچوب مفهومی

الف: تعاریفها

مفهوم «قطع‌نامه» در ادبیات سیاسی ایران مفهومی نوپدید است. در دورهٔ مشروطه انقلابیون از مفهوم «مستدعیات» برای بیان مطالبات خود استفاده می‌کردند که تقریباً مترادف با مفهوم «خواسته‌ها» است که در انقلاب اسلامی نیز به کار گرفته شده است. اما مفهوم «خواسته‌ها» با مفهوم «مستدعیات» تفاوت ظریفی دارد. «خواسته‌ها» اعم از «مستدعیات» است، یعنی علاوه بر مطالبات، مواضع را نیز نشان می‌دهد. مفهوم «قطع‌نامه» نیز شباهت نزدیکی به «خواسته‌ها» دارد، اما بین این دو نیز تفاوت ظریفی در ساختارشان می‌توان قایل شد. در دورهٔ انقلاب، صادرکنندگان آن‌ها توجهی به تفاوت ظریف‌شان نداشتند. البته، به دلیل عمل‌گرایی حاکم بر رفتار انقلابیون، کمتر به واژه‌های این‌گونه اهمیت داده می‌شد. آنچه مهم بود رساندن فریادشان به گوش حاکمیت بود. به این دلیل، پژوهشگر در تفکیک دقیق این دو مفهوم با دشواری مواجه است. نگارنده برای رفع این مشکل به این صورت عمل کرده است که هرگاه «خواسته‌ها» ساختار

«قطع‌نامه‌ها» را داشته، آن را به‌عنوان «قطع‌نامه» پذیرفته است، حتی اگر بر بالای آن واژه «خواسته‌ها» درج شده باشد. البته شایان ذکر است که این آمیختگی اغلب در «خواسته‌ها» و «قطع‌نامه‌ها» یسی که در روزنامه‌ها منتشر شده است صدق می‌کند. زیرا در جراید بنا به ضرورت‌های حرفه‌ای بخشی از متن را حذف می‌کردند. هرگاه در نشریات واژه «قطع‌نامه» بر بالای متن درج شده بود، نگارنده آن را به‌عنوان یک ماده پژوهشی مورد استفاده قرار داده است حتی اگر تقدم و تأخر آن بنا به ضرورت‌های روزنامه‌نگاری حذف شده باشد.

پس «قطع‌نامه‌ها» را می‌توان به‌صورت زیر تعریف کرد: قطع‌نامه نوعی پیام کتبی با ساختار مشخص که در بردارندهٔ مواضع و خواسته‌های گروهی از مردم است که در پایان تظاهرات یا اعتصاب جهت نیل به اهداف گروهی از پیش تعیین شده صادر می‌شود. باید افزود «قطع‌نامه» از نظر ساختار، محتوا و اهداف با «بیانیه» و «اعلامیه» متفاوت است، هرچند پاره‌ای شباهت‌ها بین این‌ها وجود دارد که پرداختن به آن‌ها فرصتی دیگر می‌طلبد.

ب: ساختار قطع‌نامه‌ها

«قطع‌نامه‌ها» از نظر ساختار از سه بخش مقدمه، متن و نتیجه تشکیل شده است. در حالی که «خواسته‌ها» فاقد این ساختار هستند. مقدمه مشتمل بر بررسی اجمالی مشکلات جامعه، عوامل بحران‌ساز، دلایل تظاهرات و اعتصاب، زمان و مدت اعتصاب و تظاهرات، تعداد مفاد قطع‌نامه است. حجم مقدمه در قطع‌نامه‌ها متفاوت است، گاهی از سه یا چهار سطر تا بیست سطر و حتی بیشتر تشکیل شده است. متن نیز مشتمل بر خواسته‌ها و مواضع گروهی است، که به‌صورت مشخص و مجزا از هم با اعداد شمارش شده است. خواسته‌ها و مواضع گاه در قالب جملات ناقص (مانند «آزادی زندانیان سیاسی» یا «برقراری جمهوری اسلامی») و گاه به‌صورت جمله کامل بیان می‌شود. به‌طوری‌که برخی مواد قطع‌نامه‌ها از چند سطر نیز تشکیل شده است. نتیجه مشتمل بر اتمام حجت، تهدید و ضرب‌الاجل برای تحقق خواسته‌هاست. در نتیجه، اغلب از جملات تهدیدآمیز شبیه موارد زیر استفاده شده است: «در صورتی که در پایان مدت اعتصاب به خواسته‌های آنان پاسخ داده نشود در مورد اعتصاب تجدیدنظر خواهند کرد»، یا «به منظور رسیدن به هدف‌های فوق مبارزهٔ آگاهانه ملت ما تا سرحد پیروزی به صورت‌های گوناگون ادامه خواهد یافت و هرگونه دسیسه و دروغ‌پردازی و اتهام و اخلال و یورش حکومت ما را از جنبش‌رهایی‌بخش باز نخواهد داشت». معمولاً قطع‌نامه‌ها با شعار و نام گروه یا کمیتهٔ برگزارکننده تظاهرات و اعتصاب به پایان می‌رسد.

پ: انواع قطع‌نامه برحسب محتوا

بررسی مواد قطع‌نامه‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها از نظر محتوا، خواسته‌ها و مواضع متعددی را مطرح کرده‌اند که به منظور سهولت در تحلیل به سه دسته: صنفی، سیاسی و مختلط تقسیم شده است.

منظور از قطع‌نامه‌های صنفی قطع‌نامه‌هایی است که تمامی مواد و محتوای آن‌ها مطالبات یک صنف مشخص و معمولاً صادرکننده را نشان می‌دهد. نگارنده به منظور اجتناب از اشتباه در دسته‌بندی برای هر قشر اجتماعی، به تناسب شغل و خواسته‌هایشان، تصمیم‌گیری کرده است. برای مثال، ممکن است یک خواسته مانند «رفع سانسور» برای گروه روزنامه‌نگار، صنفی تلقی شود، در حالی که همین موضوع برای کارمندان دولت یا کارگران یک خواست کاملاً سیاسی تلقی شود. یا «برچیدن اداره حراست از محوطه مدارس یا دانشگاه‌ها» برای فرهنگیان صنفی تلقی شده، در حالی که همین امر برای سایر قشرها یک مطالبه سیاسی است. پس با توجه به توضیحات بالا باید گفت، یک صنف هم می‌تواند قطع‌نامه صنفی و هم قطع‌نامه سیاسی داشته باشد. آن قسمی از مطالبات که به طور کامل سیاسی است در بخش قطع‌نامه‌های سیاسی آمده و آن تعدادی که فقط مطالبات صنفی خاص را نشان می‌دهد در دسته قطع‌نامه‌های صنفی قرار داده شده است.

قطع‌نامه‌های سیاسی قطع‌نامه‌هایی است که صادرکنندگان خود را فراتر از محدوده‌های صنفی مطرح ساخته و هدفشان به طور آشکار خواست سیاسی است. در این قطع‌نامه‌ها هیچ خواسته صنفی دیده نمی‌شود.

منظور از قطع‌نامه‌های مختلط قطع‌نامه‌هایی است که بخشی از آن به خواسته‌های سیاسی و بخشی دیگر به خواسته‌های صنفی اختصاص یافته است. در این قطع‌نامه‌ها با توجه به شرایط زمانی، سیاسی و مسایل دیگر خواسته‌های سیاسی و صنفی در هم آمیخته است. در تعدادی از آن‌ها خواسته‌های سیاسی و در برخی دیگر صنفی در اولویت قرار گرفته است. در تعدادی این خواسته‌ها چنان در هم آمیخته شده است که نمی‌توان اولویت‌بندی خاصی برای آن‌ها قایل شد.

ت: کارکرد قطع‌نامه‌ها

مطالعه قطع‌نامه‌ها از این رو ضروری است که حامل «پیام انقلابی» برای مخاطبان است و بر رفتار و دیدگاه آن‌ها تأثیر دارد. قطع‌نامه‌ها دست‌کم دو گروه مخاطب دارد و ارزیابی «تأثیر» آن بر مخاطبان دوگانه قابل بررسی است: ۱. تأثیر بر حاکمیت: اولین گروهی که تنظیم‌کنندگان قطع‌نامه‌ها سعی دارند بر دیدگاه و عملکرد آنان تأثیر بگذارند و مواضع فعال و پویای آن‌ها را به

انفعال بکشانند و از قِبَلِ آن به خواسته‌های خود برسند، حاکمیت و کارگزاران حکومتی است. این تأثیر از نوع سلبی است، یعنی نوعی تأثیر تهدیدکننده برای حکومت دارد و قصد سست کردن مواضع صاحبان قدرت در قبال مطالبات مردمی از طریق نمایش قدرت دارد. ۲. تأثیر بر نیروهای انقلابی: قطع‌نامه‌ها برآیند و تجمیع خواسته‌ها و مواضع مردم ناراضی از وضع موجود است که در تقویت همبستگی سیاسی و اجتماعی، اقناع فردی و گروهی برای نیل به اهداف جمعی و هماهنگی رفتار و عمل جمعی مؤثر است.

در پایان این بحث تذکر چند نکته ضروری است: انتخاب قطع‌نامه‌های شش ماهه آخر انقلاب به دلیل پیوستگی صدور آن‌هاست. البته در تحولات پیش از این ماه‌ها نیز قطع‌نامه صادر شده است، اما تعدادشان محدود و پراکنده است. در ابتدای امر، بیشتر اعلامیه و بیانیه صادر می‌شد نه قطع‌نامه. از این‌رو، نگارنده بر این عقیده است که قطع‌نامه‌ها پدیده‌ای مختص دوران توده‌ای شدن انقلاب است. نکته دوم این‌که، در اواخر عمر رژیم پهلوی پدیده جدیدی در قطع‌نامه‌ها رخ داد، آن‌هم ظهور اسامی و امضای تعدادی از سرشناسان و فعالان است. برای مثال، در قطع‌نامه وکلای دادگستری همدان (نام ۷۰ نفر)، قطع‌نامه قضات گرگان (نام ۲۰ نفر)، یا در قطع‌نامه استادان دانشگاه، هنرمندان، معلمان و حتی دانش‌آموزان نیز دیده می‌شود. این پدیده بیانگر بالا رفتن ضریب امنیتی امضاکنندگان و کاهش خطر سرکوب رژیم است. نکته سوم این‌که، صدور قطع‌نامه‌ها خود بهانه صدور بیانیه‌ها و اعلامیه‌های متعدد تأییدآمیز از سوی سایر اقشار و گروه‌های اجتماعی می‌شد. همان طوری که کشتارها پدیده‌ای تحت عنوان «چهل‌ها» ایجاد کرد و خود آن به تسریع تحولات انقلابی انجامید، صدور قطع‌نامه‌ها نیز زنجیره‌ای از اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و قطع‌نامه‌ها به دنبال آورد که به عامل تقویت‌کننده همبستگی سیاسی و اجتماعی اقشار مختلف بدل گشت. برای مثال، قطع‌نامه راهپیمایی تاسوعا و عاشورا در شهرهای مختلف مورد حمایت اقشار و گروه‌ها قرار گرفت؛ در تهران حداقل ده‌ها بیانیه و اعلامیه در این زمینه صادر شد. از موارد دیگر می‌توان به بیانیه کسبه آمل در حمایت قطع‌نامه فرهنگیان، بیانیه دانش‌آموزان رفسنجان در تأیید قطع‌نامه معلمان، بیانیه روحانیون و کسبه مرند (به‌طور مشترک) در حمایت از قطع‌نامه فرهنگیان این شهر در آذرماه اشاره کرد.

۳. روش تحقیق

روش گردآوری این قطع‌نامه روش تاریخی یا کتابخانه‌ای است که با تفحص در لابه‌لای کتاب‌ها، آرشیوهای مراکز اسناد و روزنامه‌ها جمع‌آوری شده است. مطالعه قطع‌نامه‌ها مشکلات خاص خود را دارد، از جمله عدم دسترسی به صورت کامل و

عین سند است و تاکنون نیز جمع‌آوری منقحی از آن‌ها صورت نگرفته تا پژوهشگر با استناد به آن مجموعه به سراغ تحلیل برود. به سخن دیگر، منابع خود را در دسترس همگان جهت ارزیابی و آزمون قرار دهد. حتی آرشیوهای تخصصی انقلاب اسلامی همچون مرکز اسناد انقلاب اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام و سازمان مدارک فرهنگی نیز از داشتن پرونده جداگانه قطع‌نامه‌ها محروم هستند. پژوهشگر می‌باید با بررسی صدها پرونده به صورت اتفاقی چند سند اصلی یا رونوشت کامل قطع‌نامه پیدا کند. قطع‌نامه‌های منتشر شده در روزنامه‌ها نیز چنان‌که گفته شد مشکلاتی از قبیل سانسور مواد و یا حذف به دلیل ضرورت‌های روزنامه‌نگاری دارد. یا به دلیل تکرار مواد چند قطع‌نامه فقط به چاپ صورت کامل یک سند اکتفا شده در بقیه، موارد متفاوت درج می‌شد. از این رو، اغلب قطع‌نامه‌های چاپ شده در روزنامه‌ها خلاصه شده است. گاهی حذف فقط شامل مقدمه و نتیجه شده و گاهی علاوه بر آن‌ها مواد نیز مشمول این قاعده گردیده است. نگارنده تا آن‌جا که توانسته از استفاده از قطع‌نامه‌هایی که مشمول حذف مواد شده است خوداری کرده است. مشکل دیگر قطع‌نامه‌های مندرج در روزنامه‌ها این است که گاهی دست‌اندرکاران روزنامه آن را با انشای خود چاپ می‌کردند بدیهی است در چنین مواردی سلايق سیاسی افراد مسئول نیز بر روند پژوهش دقیق کمی تأثیر می‌گذارد. اما کنار گذاشتن روزنامه‌ها به‌عنوان یک منبع مهم از نظر پژوهشی صحیح نیست. نگارنده برای اجتناب از مشکلات پیش گفته، سعی کرده از قطع‌نامه‌هایی که تا حدودی شایبه دخل و تصرف در آن‌ها وجود داشته استفاده نکند. این سیاست پژوهشی نیز موجب حذف صدها قطع‌نامه مندرج در روزنامه‌ها و به تبع آن محدود شدن جامعه آماری این پژوهش گردید.

در مطالعات اجتماعی، سیاسی و تاریخی روش‌های تحلیل متعددی وجود دارد. در این مقاله از روش تحلیل محتوای کمی بهره گرفته شده است. تحلیل محتوا به دلیل ویژگی کمی‌اش دخالت و غرض‌ورزی را در پژوهش‌های علوم تاریخی، سیاسی و اجتماعی به حداقل ممکن می‌رساند. تحلیل محتوا با توجه به این ویژگی مهم‌اش در اواسط نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه محافل علمی و پژوهشی غرب قرار گرفت (رایف، لیسو و فیکو، ۱۳۸۱: ۳-۳۶؛ باردن، ۱۳۷۵: ۷-۴۹).

۴. جمعیت آماری

در این پژوهش از ۱۷۶ قطع‌نامه بزرگ و کوچک صادر شده در شش ماهه پایانی رژیم پهلوی بهره گرفته شده است که از این تعداد ۷۳ قطع‌نامه را از آرشیوها و اشخاص به دست آورده که هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن‌ها راه نیافته است. همچنین ۳۲ قطع‌نامه از کتاب‌های منتشر شده

یا زیر چاپ استخراج شده است که دخل و تصرف در مقدمه، متن و نتیجه آن بنا بر تشخیص نگارنده راه نیافته است. بقیه آن‌ها یعنی ۷۱ قطع‌نامه نیز از روزنامه‌های رسمی سراسری کیهان و کیهان هوایی از تاریخ مهر تا بهمن ۱۳۵۷ استخراج شده است که دقت زیادی در این راه به خرج داده شد تا قطع‌نامه‌هایی مورد استفاده قرار گیرد که مواد آن‌ها حذف نشده باشد. باید افزود در این پژوهش فقط از مواد قطع‌نامه‌هایی که با شماره مشخص بوده، بهره گرفته شده است و نگارنده از مقدمه و نتیجه آن‌ها صرف نظر کرده است، زیرا «متن» کانون اصلی قطع‌نامه‌هاست بقیه فرع بر آن‌هاست. فهرست روزنامه‌ها، کتاب‌ها و آرشیوهای مورد استفاده در قسمت پایانی مقاله آمده است.

با توجه به توضیحات بالا، می‌توان فراوانی قطع‌نامه‌ها را به تفکیک ماه‌ها و تعداد مواد آن‌ها در جدول زیر نشان داد.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی قطع‌نامه‌ها بر حسب تاریخ و مواد آن‌ها

ماه	تعداد	تعداد قطعات	درصد	حداقل مواد	حداکثر مواد	میانگین
شهریور	۱۵	۸/۵۲	۶	۲۰	۱۳	
مهر	۳۵	۱۹/۸۹	۶	۲۸	۱۷	
آبان	۵۶	۳۱/۸۲	۴	۲۶	۱۵	
آذر	۱۸	۱۰/۲۳	۵	۲۳	۱۴	
دی	۲۲	۱۲/۵۰	۴	۲۰	۱۲	
بهمن	۳۰	۱۷/۰۴	۴	۱۲	۸	
جمع کل	۱۷۶	۱۰۰	۴/۸۳	۲۱/۵	۱۳/۱۶	

همان‌طور که جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، در سه ماهه اول تعداد قطع‌نامه‌ها روند صعودی دارند. از علل آن می‌توان به حوادث خونین شهریور، سیاست آشتی ملی دولت شریف‌امامی و عقب‌نشینی رژیم در قبال مردم، گشایش مدارس و دانشگاه‌ها، تغییر محل تبعید امام از عراق به فرانسه اشاره کرد که به افزایش اعتصابات دامن زد.

در آذرماه به‌طور محسوس تعداد قطع‌نامه‌ها کاهش یافته است. علل آن مربوط به کاهش تعداد تظاهرات و اعتصابات در این ماه نیست، بلکه دلیل آن روی کارآمدن دولت نظامی، اعمال سانسور بر مطبوعات و پیوستن آن‌ها به اعتصابات سراسری و عدم انتشار روزنامه‌ها، تشدید مبارزات خیابانی بین مردم و نظامیان بود. خونین‌ترین درگیری‌های خیابانی در این ماه

اتفاق افتاد، به‌ویژه در دهه اول محرم این تحولات به اوج خود رسید. ناکامی دولت نظامی در مهار بحران سبب شد تا شاه به‌دنبال دولت جایگزین باشد، اقدامات پنهان و آشکار شاه در این برهه تیر خلاص بر پیکر فرسوده دولت ازهاری زد. تظاهرات اربعین حسینی و اعلام خروج شاه از کشور، اعلام ورود قریب‌الوقوع امام به ایران، ازهم گسستن شیرازه انضباط ارتش و عدم همکاری جدی ارتش با بختیار ازجمله عوامل تسریع بخش تحولات انقلابی بود که به اوج‌گیری مجدد انقلاب و افزایش معنادار قطع‌نامه‌ها انجامید.

تعداد مواد قطع‌نامه‌ها نیز سیر معناداری را نشان می‌دهد. از آذرماه تعداد مواد قطع‌نامه‌ها رو به کاهش نهاده است. این سیر برآیند دگرگونی در محتوای خواست‌ها و مواضع مبارزان است. به این معنی که خواست مردم از جزیبی‌نگری صنفی به کلی‌نگری سیاسی و از گروه‌گرایی به وطن‌خواهی و آرمان‌گرایی سیاسی در حال دگرگونی است. به سخن دیگر، در سه ماهه اول منافع گروهی و صنفی در کانون خواست‌ها قرار دارد، اما در سه ماهه دوم منافع ملت و کشور به صورت جدی مطرح می‌شود. هر چه از منافع گروهی به منافع ملی تغییر یافته میانگین مواد قطع‌نامه‌ها نیز سیر نزولی پیدا کرده است.

نکته دیگر، پراکندگی جغرافیایی صادرکنندگان قطع‌نامه‌هاست. هرچند این بررسی خود نیازمند مطالعات گسترده برای نشان دادن نوع نگرش استان‌های مختلف کشور و سراسری بودن خواسته‌های انقلاب ضروری است، اما عجلتاً در این‌جا بدون هرگونه توضیح و تفسیری به شهر صادرکننده و فراوانی آن‌ها اشاره می‌شود. تهران (۷۵ قطع‌نامه یا ۴۲/۶۰ درصد)، اهواز (۸ قطع‌نامه یا ۴/۵۵ درصد)، تبریز (۵ قطع‌نامه یا ۲/۸۴ درصد)، رفسنجان، مشهد و آبادان هرکدام (۴ قطع‌نامه یا ۲/۲۷ درصد)، یزد، بندرعباس، قزوین، اصفهان هرکدام (۳ قطع‌نامه یا ۱/۷۰ درصد)، قصرشیرین، همدان، شیراز، بهشهر، سیرجان و مرند هرکدام (۲ قطع‌نامه یا ۱/۳۶ درصد)، شهرهای بانه، اردکان، سردشت، ساوجبلاغ، رشت، رضاییه (ارومیه)، میاندوآب، سیاهکل، نهاوند، گرگان، دزفول، بروجرد، بجنورد، قم، شاهرود، شهریارک، مهاباد، فسا، اقلید، خرم‌آباد، سراب، توسیرکان، دورود، بایل، زاهدان، بهارهمدان، سقز، میانه هرکدام (۱ قطع‌نامه یا ۰/۵۶ درصد). در چند مورد به جای نام شهر نام استان به شرح زیر آمده است: آذربایجان (۲ قطع‌نامه)، مازندران و خوزستان هرکدام (۱ قطع‌نامه). از میان جامعه آماری این مقاله ۲۰ قطع‌نامه (۱۱/۳۶ درصد) نیز فاقد نام شهر است. باید گفت تعداد فراوانی قطع‌نامه‌های مربوط به یک شهر به معنای انقلابی بودن بیشتر آن شهر نیست.

۵. قطع‌نامه‌ها براساس قشرهای اجتماعی

قطع‌نامه‌های گردآوری شده با توجه به قشر و صنف اجتماعی به پنج دسته زیر تقسیم شده است: ۱. کارمندان دولت، ۲. فرهنگیان (استادان دانشگاه، معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان)، ۳. کارگران و کارکنان شرکت‌ها و کارخانجات، ۴. روحانیان، ۵. قشر عمومی (منظور از قشر عمومی قشری است که از تمام قشرها و صنف‌ها در آن حضور دارند و قطع‌نامه‌های مهمی نیز منتشر کرده‌اند، اما ماهیت و ویژگی اصلی این‌ها فراقشری بودن آن است. با توجه به اهمیت این قطع‌نامه‌ها به‌ویژه در ماه‌های پایانی انقلاب چشم‌پوشی از آن‌ها به بهانه عدم تعلق به قشر خاصی محروم ساختن پژوهش از منابع مهم و نادیده انگاشتن پدیده قطع‌نامه‌های عمومی است. از این‌رو قطع‌نامه‌های توده مردم تحت عنوان قشر عمومی بررسی خواهد شد).

دلیل این تقسیم‌بندی به‌خاطر ماهیت و محتوای قطع‌نامه‌ها و نزدیکی دغدغه‌های هریک از این دسته‌ها به یکدیگر است. در این دسته‌بندی قشر مهم و تأثیرگذار بازاری نیامده است، دلیلش نیز عدم انعکاس قطع‌نامه‌های مستقل این قشر در روزنامه‌هاست. به سخن دیگر، در جامعه آماری ۱۷۶ موردی هیچ قطع‌نامه‌ای متعلق به بازاریان دیده نمی‌شود. البته این به معنای انکار نقش سیاسی و اهمیت بازاریان در پیروزی نیست. می‌توان گفت یا قطع‌نامه‌های بازاریان به صورت مستقل در روزنامه‌ها به دلایل نامشخص نیامده است. این احتمال با توجه به موقعیت اقتصادی و سیاسی آن‌ها در تحولات و انعکاس گسترده اعتصاب بازاریان در جراید ضعیف به نظر می‌رسد. باید اضافه کرد که وقتی بازاریان رفتارهای اعتراضی مستقل از خود نشان دادند از طریق ابزارهای دیگر، همچون تأمین هزینه مجالس سخنرانی، چاپ اعلامیه اقدام می‌کردند. احتمال دوم آن است که تکاپوی آن‌ها در همبستگی با سایر قشرها مثل روحانیان، کارکنان شرکت‌ها، کارمندان دولت و قطع‌نامه‌های عمومی انعکاس یافته است. بازاریان مذهبی خود را تابع و مطیع روحانیان می‌دانستند و این امر رفتار سیاسی مستقل را از آن‌ها سلب می‌کرد. شاید محافظه‌کاری یا احتیاط ناشی از داشتن سرمایه نیز کمک می‌کرد تا آن‌ها خود را به یک کائوچو قدرت نزدیک نمایند. دیگر این‌که بین علما و بازاریان از قدیم روابط خاصی وجود داشته است. این روابط به صورت پرداخت و جوه شرعی بازاریان به علما و پاک نمودن اموال و سرمایه بازاریان توسط عالمان بوده است. پس می‌توان گفت بازاریان مذهبی به دلیل تبعیت از رهبری علما از شیوه رفتاری آن‌ها تقلید می‌کردند و سعی داشتند خود را نه به صورت قشر مستقل بلکه جزئی از توده مردم قلمداد نمایند. جدول توزیع فراوانی قطع‌نامه قشرهای اجتماعی به شرح زیر است:

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی قطع‌نامه‌ها برحسب گروه‌ها و قشرهای مختلف اجتماعی

قشر	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
کارمندان دولت	۳۳	۳۱/۱۳	۲۶	۳۷/۱۴	۵۹	۳۳/۵۲	
فرهنگیان	۴۸	۴۵/۲۸	۸	۱۱/۴۳	۵۶	۳۱/۸۲	
کارگران و کارکنان شرکت‌ها	۱۶	۱۵/۰۹	۶	۸/۵۷	۲۲	۱۲/۵۰	
روحانیان	۰	۰	۲	۲/۸۶	۲	۱/۱۴	
قشر عمومی	۹	۸/۵۰	۲۸	۴۰	۳۷	۲۱/۰۲	
جمع	۱۰۶	۱۰۰	۷۰	۱۰۰	۱۷۶	۱۰۰	

تفاوت فاحش تعداد قطع‌نامه‌های روحانیان با سایر قشرها قابل تأمل است. در این زمینه چند نکته قابل تأمل وجود دارد. اول این‌که، در بین عالمان نوعی سلسله‌مراتب وجود داشت که این امر نوعی رفتار نخبه‌گرایانه بر این قشر تحمیل می‌ساخت. یعنی حضور مراجع عظام و روحانیان بلندمرتبه حوزة قم، تهران و مشهد رفتار سیاسی عالمان سایر شهرها را تحت ضابطه خاص در آورده بود. هرچند اختلاف نظر و سلیقه سیاسی در بین عالمان این سه شهر مهم کم نبود، اما بدنه هرم عالمان پیرو مرجعیت مستقر در شهرهای فوق بود. صدور اعلامیه، بیانیه، سخنرانی و مصاحبه مراجع فصل‌الخطاب تلقی می‌شد. بسیاری از مواقع بدنه هرم خود را مستغنی از موضع‌گیری می‌دید. از سوی دیگر، نوع رابطه عالمان با مردم سبب می‌شد تا بدنه هرم رفتار سیاسی خود را با توده‌ها همراه نماید. البته توده‌های مردم نیز به دلیل روابط خود با روحانیت در تجمع‌های آن‌ها شرکت می‌کردند، به قولی عالمان را در صحنه مبارزه تنها نمی‌گذاشتند. تعداد معدود آن‌ها در شهرها و تنوع گرایش سیاسی و تلاش برای به راه انداختن حرکت توده‌ای نیز در عدم تجمع صنفی آن‌ها و صدور کم قطع‌نامه مؤثر بوده است. دیگر این‌که، روحانیون اغلب از قالب‌های سنتی اعتراض مانند صدور بیانیه، اعلامیه، سخنرانی و سایر اشکال بهره می‌بردند. قطع‌نامه که از ابزارهای نوین اعتراض است کمتر استفاده کردند.

اما سه قشر دیگر، یعنی فرهنگیان، کارمندان دولت، کارگران و کارکنان شرکت‌ها، وضع کاملاً متفاوتی با دو قشر بالا داشتند. دو قشر فرهنگیان و کارمندان دولت کارگزاران علمی و اجرایی بازوهای رژیم بودند. این‌ها از انسجام نسبتاً مناسب و سطح آگاهی سیاسی و تحصیلات برخوردار بودند. قشر کارگران و کارکنان شرکت‌ها از نظر تحصیلات و شئون اجتماعی تا حدودی ناهمگون بود این قشر از کارگران تا مهندسان را در بر گرفته بود.

تعداد قطع‌نامه‌های فرهنگیان در سه ماهه اول بالاترین فراوانی و درصد را به خود اختصاص داده است. دلیل افزایش بسیار زیاد آن، شروع کلاس‌های درس در مهرماه است. این قشر در تعطیلات تابستانی همبستگی شغلی و به تبع آن همبستگی سیاسی خود را به‌طور موقت از دست می‌دادند. تعطیلات آنان را از عمل جمعی باز می‌داشت. با آغاز مدارس همبستگی آنان بار دیگر برقرار می‌شد. شروع مدارس و دانشگاه‌ها یک گروه تحصیل‌کرده، جوان و آگاه به مسایل سیاسی را وارد صحنه انقلاب کرد و آنان توانستند توانمندی‌های خود را به منصفه ظهور برسانند. گسترش تظاهرات نشان داد که شروع مدارس و دانشگاه‌ها یک اشتباه استراتژیک از سوی رژیم است. با ادامه وضعیت بحرانی بار دیگر مدارس و دانشگاه‌ها به اعتصاب سراسری پیوستند و انقلاب وارد مرحله توده‌ای خود شد و به تبع آن همبستگی شغلی و عمل جمعی فرهنگیان در قالب یک گروه کاهش یافت. این روند کاهش خود را در فراوانی سه ماهه دوم (از ۲۷/۲۷ درصد به ۴/۵۴ درصد) کاملاً خود را نشان می‌دهد. به دنبال این کاهش، می‌باید منتظر کاهش اعتصابات و تظاهرات‌ها می‌شدیم. اما باید گفت در این سه ماهه اعتصابات از قاعده پیشین تبعیت نکرد و با کاهش روند همبستگی شغلی، تظاهرات‌ها کماکان روند فزاینده‌ای را نشان می‌دهد، زیرا تعطیلی نهادهای آموزشی جوانان را به پستوی خانه‌ها نراند بلکه همچنان آنان را در خیابان‌ها به علامت اعتراض نگه داشت.

البته، باید گفت آهنگ نزولی شاخص‌ها به‌جز قطع‌نامه‌های عمومی در جدول فوق دیده می‌شود. این روند در نزد کارمندان دولت و کارکنان شرکت‌ها سیر آهسته‌تری پیدا کرد. به‌ویژه تعداد قطع‌نامه‌های کارمندان دولت کاهش محسوسی به خود ندیده است، شاید دلیل آن سیاست اجبارآمیز دولت برای حفظ کارمندان بر سر کارشان بود، یعنی با این سیاست رژیم ناخواسته به تداوم بحران دامن زد. با توده‌ای شدن انقلاب تظاهرات‌های بزرگی چون تظاهرات تاسوعا و عاشورا، اربعین و اوایل بهمن روی داد. با گسترش تظاهرات و توده‌ای شدن انقلاب قطع‌نامه‌های عمومی روند فزاینده‌ای (از ۵/۱۱ به ۱۵/۹۰ درصد) را نشان می‌دهد. این روند نشان می‌دهد تظاهرات از دایره فعالیت محدود گروهی، حزبی و سازمانی خارج شده و جنبه عمومی یا توده‌ای پیدا کرده است.

۶. یافته‌های تحقیق

الف: مواد اول قطع‌نامه به زبان آمار

در این بخش، یافته‌های تحقیق به زبان آمار ارایه می‌شود. بررسی قطع‌نامه‌ها نشان می‌دهد هرچه پیروزی انقلاب نزدیک می‌شد، از تعداد مواد صنفی کاسته شده و به تعداد مواد سیاسی

افزوده شده است. خواسته‌های سیاسی نیز از آنها یا اواسط قطع‌نامه‌ها به مواد آغازین تغییر محل می‌دهند. البته این روند کلی است و گرنه می‌توان به معدود مواردی نیز اشاره کرد که کماکان خواست‌های صنفی در اولویت قرار گرفته‌اند.

جواب به این پرسش که آیا قرار گرفتن مواد در سطور آغازین به معنای اولویت دادن به این خواسته‌هاست؟ قابل مناقشه است. اما نگارنده بر این عقیده است که تعداد مواد اختصاص یافته، نحوه و محل درج آن‌ها همه بیانگر نوع نگرش صادرکنندگان قطع‌نامه‌ها است. به این معنی که هرگاه در ذهنیت فاعلان خواسته‌های سیاسی پررنگ و پراهمیت بوده، همان نظم ذهنی نیز در عرصه قلم و بیان پیاده شده است. مگر این‌که فاعلان به دلیل محافظه کاری سعی در پنهان ساختن خواسته‌های اصلی خود در لابه‌لای خواسته‌های صنفی باشند.

با مفروض انگاشتن این مسئله که در قطع‌نامه‌ها مواد اول مهم‌ترین دغدغه صادرکنندگان و دست‌اندرکاران امور است، می‌توان از زاویه دیگری نیز به قطع‌نامه‌ها نگریست. بدیهی است این فرض نقدپذیر است، اما واقعیت آن است که تقدم و تأخر به نوعی بیانگر میزان دغدغه افراد نیز می‌باشد. براساس جدول‌های شماره ۳ و ۴ در دو ماهه اول ۴۶ (۴۶/۴۰) قطع‌نامه مختلط و در دوره دوم ۷ قطع‌نامه (۱۰ درصد) مختلط صادر شده است. بدیهی است تقدم و تأخر مواد در قطع‌نامه‌ها صرفاً سیاسی و صنفی از ارزش و اعتبار کمتری از قطع‌نامه‌های مختلط برخوردار است. براساس آمار موجود از میان ۴۶ قطع‌نامه مختلط، در بیش از ۲۵ واحد یا ۵۴/۳۵ درصد خواسته‌های سیاسی در اولویت‌های نخست گنجانده شده است. هر چه به روزهای پایانی سه ماهه اول نزدیک می‌شد و انقلاب سرعت و گسترش بیشتری پیدا می‌کرد، مواد سیاسی از قسمت میانی و پایانی به قسمت آغازین تغییر محل می‌داد. نکته دیگر، افزایش کمی مواد سیاسی نسبت به مواد صنفی است، به طوری که در اواسط آبان‌ماه بیشتر مواد از صنفی به سیاسی تغییر یافته است.

جدول شماره (۳) ماده اول قطع‌نامه‌های مختلط و توزیع فراوانی آن‌ها را نشان می‌دهد. چنان که مشاهده می‌شود پنج خواسته مهم قطع‌نامه‌ها براساس بالاترین درصد عبارت است از: «رعایت آزادی و حقوق بشر»، «لغو حکومت نظامی»، «اجرای قانون اساسی»، «اعلام همبستگی با مبارزات مردمی»، «اخراج مستشاران خارجی». به دلیل کمی جامعه آماری قطع‌نامه‌های سه ماهه دوم نمی‌توان قضاوت بنیادین انجام داد. اما از همین تعداد کم نیز چنین برمی‌آید که چهار مورد از این خواسته‌ها در سه ماهه دوم نیز تکرار شده است.

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی خواسته‌های مردم در قالب مواد مندرج در قطع‌نامه‌ها

مواد اول	زمان		سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
	اول	دوم						
تشکیل انجمن معلمان	۲	۰	۴/۴۴	۰	۰	۰	۲	۳/۹۲
رفع محدودیت از امام خمینی	۲	۰	۴/۴۴	۰	۰	۰	۲	۳/۹۲
درخواست بازگشت امام خمینی	۱	۰	۲/۲۲	۱	۱۶/۶۷	۰	۲	۳/۹۲
لغو حکومت نظامی	۱۰	۰	۲۲/۲۲	۰	۰	۰	۱۰	۱۹/۶۱
رعایت آزادی و حقوق بشر	۱۲	۰	۲۶/۶۸	۰	۰	۰	۱۲	۲۳/۵۴
انتخاب رئیس دانشگاه	۱	۰	۲/۲۲	۰	۰	۰	۱	۱/۹۶
اخراج مستشاران خارجی	۲	۰	۴/۴۴	۱	۱۶/۶۷	۰	۳	۵/۸۹
انحلال حفاظت ادارات	۱	۰	۲/۲۲	۰	۰	۰	۱	۱/۹۶
اعلام همبستگی با مبارزات مردمی	۲	۰	۴/۴۴	۲	۳۳/۳۳	۰	۴	۷/۸۴
اعلام انزجار و محکوم کردن کشتارها	۱	۰	۲/۲۲	۱	۱۶/۶۷	۰	۲	۳/۹۲
اجرای قانون اساسی	۵	۰	۱۱/۱۲	۰	۰	۰	۵	۹/۸۰
آزادی زندانیان سیاسی	۲	۰	۴/۴۴	۰	۰	۰	۲	۳/۹۲
تغییر مدیرعامل شرکت‌ها و ادارات	۲	۰	۴/۴۴	۰	۰	۰	۲	۳/۹۲
اخراج نیروهای امنیتی و نظامی از مراکز آموزشی	۱	۰	۲/۲۲	۰	۰	۰	۱	۱/۹۶
مشکل مسکن	۱	۰	۲/۲۲	۰	۰	۰	۱	۱/۹۶
اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت	۰	۰	۰	۱	۱۶/۶۷	۰	۱	۱/۹۶
جمع	۴۵	۰	۱۰۰	۶	۱۰۰	۰	۵۱	۱۰۰

جدول شماره ۴) مواد اول قطع‌نامه‌های سیاسی در سه ماهه اول و دوم را نشان می‌دهد. جدول شماره ۴، نوعی تعادل موجود بین خواسته‌های ایجابی و سلبی را نشان می‌دهد. کانونی‌ترین محور خواسته‌های ایجابی و سلبی را می‌توان در چند محور «تأکید بر رهبری امام خمینی» و «برچیدن نظام سلطنتی»، «برکناری دولت و انحلال مجلسین» و «حمایت از دولت موقت»، «لغو قوانین ضد اسلامی» و «تشکیل حکومت اسلامی» یا «جمهوری اسلامی» به‌وضوح نشان داد. از محورهای مهم «رهبری امام» با کسب ۴۰/۲۹ درصد «برچیدن نظام سلطنتی» با ۲۱/۸۲ درصد و «محکوم ساختن کشتارها» با ۱۷/۱۶ درصد بالاترین جایگاه را در میان ماده اولی‌ها به خود اختصاص داده است که بیانگر خواسته‌های عمده انقلابیون بوده است.

جدول شماره ۴. فراوانی مواد اول قطع‌نامه‌ها

درصد	سه‌ماهه دوم	زمان	مواد اول	درصد	سه‌ماهه اول	زمان	مواد اول
۲۱/۸۲	۱۲		بر چیدن نظام سلطنتی	۶/۲۵	۲		رفع سانسور
۲۰	۱۱		تأکید بر رهبری امام خمینی	۳/۱۳	۱		تأکید بر رهبری امام
۱۰/۹۱	۶		مراجعت امام خمینی	۶/۲۵	۲		مراجعت امام خمینی
۹/۰۸	۵		برکناری دولت و انحلال مجلسین	۳/۱۳	۱		انحلال ساواک
۱/۸۲	۱		طرفداری از انقلاب بدون خونریزی	۶/۲۵	۲		لعو قوانین ضد اسلامی
۵/۴۵	۳		تشکیل حکومت اسلامی	۳/۱۳	۱		تلاش برای شکوفایی تمدن اسلامی
۱/۸۲	۱		تشکیل حکومت ملی	۳۷/۴۹	۱۲		لعو حکومت نظامی
۱/۸۲	۱		تأکید بر کمک به خانواده شهدا	۳/۱۳	۱		استقلال قوه قضاییه
۱/۸۲	۱		تأکید بر ادامه اعتصاب	۳/۱۳	۱		رفع تبعیض از ادارات
۱۰/۹۱	۶		اعلام تنفر از کشتارهای رژیم و خواهان مجازات عاملان آن	۶/۲۵	۲		محکم کردن کشتار مردم توسط رژیم
۳/۶۴	۲		اجرای قانون اساسی	۹/۳۶	۳		اجرای قانون اساسی
۱/۸۲	۱		آزادی زندانیان سیاسی	۳/۱۳	۱		آزادی زندانیان سیاسی
۵/۴۵	۳		تأکید بر مبارزه برای تشکیل جمهوری اسلامی	۳/۱۳	۱		همبستگی با روحانیت
۳/۶۴	۲		حمایت از دولت موقت	۶/۲۴	۲		عزل استاندار و دیگر مقامات
۱۰۰	۵۵		جمع	۱۰۰	۳۲		جمع

ب: تحلیل کمی قطع‌نامه‌های صنفی، سیاسی و مختلط

همان‌طور که قبلاً گفته شد، قطع‌نامه‌ها را از نظر محتوا به سه دسته صنفی، سیاسی و مختلط تقسیم شده است. هرکدام از این دسته در برگیرنده بخشی از خواسته‌های توده‌های انقلابی بود. جدول شماره (۵) توزیع فراوانی دسته‌بندی سه‌گانه قطع‌نامه‌ها را براساس قشرها در سه ماهه اول در زیر نشان می‌دهد.

جدول شماره (۶) توزیع فراوانی دسته‌بندی سه‌گانه قطع‌نامه‌ها را براساس قشرها در سه ماهه دوم در زیر نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. توزیع فراوانی قطع‌نامه‌ها بر حسب نوع آن‌ها در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف در سه ماهه اول

قشر / نوع	صنفي	درصد	سیاسی	درصد	مختلط	درصد	جمع	درصد
کارمندان دولت	۱۶	۵۲/۳۳	۵	۱۶/۶۷	۱۲	۲۶/۰۹	۳۳	۳۱/۱۳
فرهنگیان	۳	۱۰	۱۸	۶۰	۲۷	۵۸/۷۹	۴۸	۴۵/۲۹
کارگران و کارکنان شرکت‌ها	۱۱	۳۶/۶۷	۱	۳/۳۳	۴	۸/۷۰	۱۶	۱۵/۰۹
روحانیان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
قشر عمومی	۰	۰	۶	۲۰	۳	۶/۵۱	۹	۸/۴۹
جمع	۳۰		۳۰		۴۶	۱۰۰	۱۰۶	۱۰۰

جدول شماره ۶. توزیع فراوانی قطع‌نامه‌ها بر حسب نوع آن‌ها در میان گروه‌ها و قشرهای مختلف در سه ماهه دوم

قشر / نوع	صنفي	درصد	سیاسی	درصد	مختلط	درصد	جمع	درصد
کارمندان دولت	۵	۸۳/۳۳	۱۷	۲۹/۸۲	۴	۵۷/۱۴	۲۶	۳۷/۱۴
فرهنگیان	۰	۰	۸	۱۴/۰۴	۰	۰	۸	۱۱/۴۳
کارگران و کارکنان شرکت‌ها	۱	۱۳/۶۷	۲	۳/۵۱	۳	۴۲/۸۶	۶	۸/۵۷
روحانیان	۰	۰	۲	۳/۵۱	۰	۰	۲	۲/۸۶
قشر عمومی	۰	۰	۲۸	۴۹/۱۲	۰	۰	۲۸	۴۰
جمع	۶	۱۰۰	۵۷		۷	۱۰۰	۷۰	۱۰۰

مقایسه دو جدول شماره ۵ و ۶ نشان می‌دهد که در سه ماهه اول خواسته‌های سیاسی و صنفی هرکدام با کسب ۲۸/۳۰ درصد از فراوانی از اهمیت و اولویت برابری برخوردار است. اما در نزد قشرها این آمار متفاوت است. کارمندان دولت با ۱۵/۰۹، کارگران و کارکنان شرکت‌ها با ۱۰/۳۸ درصد، فرهنگیان با ۲/۸۳ درصد، روحانیان و قشر عمومی با صفر درصد از نظر رتبه‌بندی خواسته‌های صنفی قرار می‌گیرند.

اما در سه ماهه دوم در یک دگرگونی اساسی، تعداد قطع‌نامه‌های سیاسی افزایش قابل

ملاحظه پیدا کرد (۸۱/۴۲ درصد) و به تبع آن خواسته‌های صنفی کاهش یافت (۹/۵۷ درصد). این نسبت در مورد قطعنامه‌های مختلط نیز صدق می‌کند، به این معنی که قطعنامه‌های مختلط که در سه ماهه اول با کسب ۴۳/۴۰ درصد بالاترین فراوانی را به خود اختصاص داده بود در سه ماهه دوم با کسب ۷ درصد پایین‌ترین رتبه را به دست آورده است. دلیل اصلی افزایش چند برابر خواسته‌های سیاسی در سه ماهه دوم را می‌توان ناشی از موفقیت انقلابیون، تزلزل بیش از پیش رژیم و ظهور علایم سقوط آن دانست.

ب: تحلیل کمی خواسته‌های صنفی

در هر جنبش بخشی از نارضایتی برخاسته از نیازهای مادی است. به دنبال پیدایش آگاهی، طلب موقعیت اقتصادی و شغلی بهتر و امن‌تر نیز افزایش پیدا می‌کند. و بین افزایش آگاهی و افزایش مطالبات رابطه معناداری ایجاد می‌شود (گر، ۱۳۷۸).

به منظور تحلیل خواسته‌های صنفی، آن‌ها به ۱۷ محور، که بیشترین کاربرد را در قطعنامه‌ها دارند، تقسیم شده است تا نوع خواسته‌های صنفی و فراوانی آن به دست آید. با توجه به نگارش‌ها و انشای گوناگون قطعنامه‌ها، نگارنده گهگاه مجبور شده چند خواسته مشابه را در یک محور جمع نماید تا اولاً از آشفتگی‌های نگارشی دور شده؛ دوم این‌که تحلیل عینی از نوع خواسته‌ها به دست داده باشد. آن دسته از خواسته‌ها که در هیچ‌کدام از این محورها قابلیت جمع شدن نداشتند در محوری دیگر تحت عنوان «متفرقه» آورده شده است.

در سه ماهه اول ۸ خواسته مهم به ترتیب درصد کسب کرده به شرح زیر در جدول شماره (۷) نمایش داده می‌شود. «فوق‌العاده شغل» (۸۹ واحد یا ۱۸/۲۰ درصد)، «افزایش حقوق و دستمزدها» (۵۷ واحد یا ۱۱/۶۷ درصد)، «وضع و اصلاح قوانین و مقررات شغلی» (۴۵ واحد یا ۹/۲۰ درصد)، «پرداخت حق مسکن» (۴۵ واحد یا ۹/۲۰ درصد)، «تشکیل کانون‌ها، سندیکاها و شورای مردمی در ادارات» (۳۳ واحد یا ۶/۷۵ درصد)، «پرداخت وام‌های ضروری» (۲۴ واحد یا ۴/۹۰ درصد)، «تبدیل وضعیت کارکنان» (۲۳ واحد یا ۴/۷۰ درصد)، «کاهش ساعات کار و افزایش مرخصی‌ها» (۲۲ واحد یا ۴/۵۰ درصد).

این معادله در سه ماهه دوم، که با گسترش تظاهرات‌ها و اعتصابات همراه بود و بنیان‌های رژیم بیش از پیش متزلزل نشان می‌داد، تغییر قابل توجهی یافت. در این دگرگونی، خواسته‌های اساسی‌تر بار دیگر تکرار گردید. هرچند در سه ماهه دوم تعداد فراوانی کاهش زیادی را نشان می‌دهد اما از ۸ خواسته مهم سه ماهه اول ۵ خواسته با تغییراتی در فراوانی و درصد آن تکرار شده است. «وضع و اصلاح قوانین و مقررات شغلی» (۷ واحد یا ۲۵ درصد)، «پرداخت

حق مسکن» (۴ واحد یا ۱۴/۲۹ درصد)، تشکیل کانون‌ها، سندیکاها و شورای مردمی در ادارات» (۳ واحد یا ۱۰/۷۱ درصد)، «کاهش ساعات کار و افزایش مرخصی‌ها»، «پرداخت وام‌های ضروری» هرکدام با یک واحد یا ۳/۵۷ درصد از آن جمله است. در سه ماهه دوم دو خواسته دیگر نیز جمع فهرست پنج‌گانه افزوده شده است. آن دو عبارت است از «تغییر مدیریت» (۳ واحد یا ۱۰/۷۱ درصد) و «اصلاح متون و کتب درسی» (۱ واحد یا ۳/۵۷ درصد). به نظر می‌رسد، تظاهرات سه ماهه اول ناکارآمدی رژیم را در برآورده ساختن خواسته‌های مادی با یأس مواجه ساخت. از این رو، دگرگونی پدیده آمده از فراوانی خواسته‌های صنفی به شدت کاسته شده است. آمار فوق نشان می‌دهد که در دیدگاه مردم تغییر معطوف به وضع و اصلاح قوانین و مقررات و تغییر مدیریت، تشکیل شوراها بوده است. به سخن دیگر، ناکارآمدی قوانین و ناکارآمدی مدیریت‌ها به همراه سایر موارد به بحران انجامیده است. ذکر کردنی است که انقلابیون تشکیل شوراها و سندیکای شغلی را یکی از راهکارهای جلوگیری از استبداد در سطوح مختلف تلقی می‌کردند. زیرا هر چه مشارکت قشرهای فرودست در تصمیم‌گیری‌های فرادستان افزایش یابد به همان نسبت از تهیه، تدوین و اجرای قوانین ضد فقرا و کارگران جلوگیری می‌شود. در واقع، می‌توان گفت تشکیل شوراها مواجهه نهادهای مردمی با نهادهای دولتی و یا نهادهای تحت حمایت دولتی است. اما تشکیل این‌گونه نهادها مستلزم ساز و کارهای خاص از جمله وجود آزادی‌های سیاسی مانند آزادی بیان، آزادی اجتماع و احزاب است. یعنی بدون وجود چنین آزادی‌ها امکان شکل‌گیری شوراها نیز منتفع است. جدول شماره (۷) مطالبات صنفی را در دو دوره نشان می‌دهد:

جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که از کل مطالبات صنفی ۹۴/۵۸ درصد در سه ماهه اول و تنها ۵/۴۲ درصد آن در سه ماهه دوم مطرح شده است. کاهش ۸۹ درصدی مطالبات صنفی در سه ماهه دوم بیانگر این نکته است که مردم به این مهم آگاه شده بودند که بقای رژیم با مشکلات فراوانی روبه‌رو است، احتمال پیروزی انقلابیون بیشتر و به همان نسبت احتمال خطر کاهش یافته است. در چنین مرحله‌ای است که مردم به جای طرح خواسته‌های جزئی و صنفی به مطالبات سیاسی رو آوردند.

ت: تحلیل کمی خواسته‌های سیاسی

بررسی خواسته‌های سیاسی قطع‌نامه‌ها می‌تواند پاسخی مستند و تجربی به برخی دیدگاه‌ها و نظریات پیرامون علل پدیداری انقلاب اسلامی بدهد، به‌خصوص پاسخی مستند به دیدگاه‌هایی خواهد بود که معتقدند دلیل اصلی انقلاب و مخالفت مردم با رژیم علل

جدول شماره ۷. توزیع فراوانی خواسته‌های صنفی در مواد قطع‌نامه‌ها

درصد	جمع	درصد	سه ماه دوم	درصد	سه ماه اول	زمان / نوع خواسته
۹/۴۸	۴۹	۱۴/۲۹	۴	۹/۲۰	۴۵	پرداخت حق مسکن
۱۱/۰۲	۵۷	۰	۷	۱۱/۶۷	۵۷	افزایش حقوق و دستمزدها
۱۰/۰۵	۵۲	۲۵	۰	۹/۲۰	۴۵	وضع و اصلاح قوانین شغلی
۱۷/۲۱	۸۹	۰	۳	۱۸/۲۰	۸۹	فوق‌العاده شغل
۲/۲۹	۱۷	۰	۰	۲/۴۸	۱۷	کاهش مالیات‌ها
۳/۰۹	۱۶	۱۰/۷۱	۳	۲/۶	۱۳	تغییر مدیریت
۲/۷۱	۱۴	۰	۰	۲/۸۷	۱۴	بی‌توجهی عدم اجرای وعده‌ها
۱/۵۵	۸	۰	۰	۱/۶۳	۸	ایجاد کار
۱/۳۵	۷	۰	۰	۱/۴۳	۷	گرانی کالاها و خدمات
۴/۴۹	۲۳	۳/۵۷	۱	۴/۵۰	۲۲	کاهش ساعات کار و افزایش مرخصی‌ها
۲/۱۳	۱۱	۰	۰	۲/۲۵	۱۱	اجرای فوق برنامه مناسب و حذف برنامه‌های نادرست
۶/۷۷	۳۵	۱۰/۷۱	۳	۶/۷۵	۳۳	تشکیل کانون‌ها، سندیکاها و شورای مردمی در ادارات
۱/۷۴	۹	۳/۵۷	۱	۱/۶۳	۸	اصلاح متون و کتب درسی
۲/۱۳	۱۱	۰	۰	۲/۲۵	۱۱	رسیدگی به امور بازنشستگان
۴/۸۳	۲۵	۳/۵۷	۱	۴/۹۰	۲۴	پرداخت وام‌های ضروری
۴/۴۵	۲۳	۰	۰	۴/۷۰	۲۳	تبدیل وضعیت کارکنان
۱/۳۷	۷۱	۲۸/۵۸	۸	۱۲/۶۸	۶۲	متفرقه
۱۰۰	۵۱۷	۱۰۰	۲۸	۱۰۰	۴۸۹	جمع

اقتصادی است. در حالی که جدول شماره (۷) نشان می‌دهد خواسته‌های صنفی و اقتصادی جایگاه بالایی در میان کل خواسته‌ها ندارد. براساس نتایج برآمده از این قطع‌نامه‌ها مطالبات سیاسی اعتبار و ارزش زیادی در نزد انقلابیون دارد.

در این راستا، مطالبات سیاسی به دو دسته مطالبات سلبی و ایجابی تقسیم شده است. نگارنده برای سنجش کمی این دسته از مطالبات در مرحله اول با استخراج برخی واژه‌ها و مفاهیمی که فی‌نفسه واجد ویژگی سلبی یا ایجابی است، استخراج شده و در جدول جداگانه آن را به زبان آمار ارایه می‌دهد. در این مرحله هدف نگارنده فقط تحلیل محتوا براساس واحد

مشاهده «واژه» یا «مفهوم» است تا نشان دهد که تفاوت‌های محسوسی در بین قطع‌نامه‌های دو دوره از حیث استفاده از واژه‌ها دیده می‌شود.

جدول شماره ۸) نشان می‌دهد که در سه ماهه اول بیشتر واژه‌ها سلبی است و در سه ماهه دوم کاربرد واژه سلبی به‌طور محسوسی کاهش می‌یابد و جای آن را واژه‌های ایجابی می‌گیرد (جدول شماره ۹).

جدول شماره ۸: واژه‌های سلبی در قطع‌نامه‌ها

واژه‌های سلبی	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
انحلال	۴۴	۹/۲۸	۱۴	۶/۰۶	۵۸	۸/۲۳	
رفع	۳۰	۶/۳۳	۵	۲/۱۶	۳۵	۴/۹۶	
اخراج	۶۱	۱۲/۸۷	۶	۲/۶۰	۶۷	۹/۵۰	
لغو و حذف	۹۸	۲۰/۶۷	۱۰	۴/۳۳	۱۰۸	۱۵/۳۲	
عدم مشارکت	۱۰	۲/۱۱	۰	۰	۱۰	۱/۴۲	
برچیندن	۷	۱/۴۸	۲۰	۸/۶۶	۲۷	۳/۸۳	
تبعیض	۳۱	۶/۵۴	۳	۱/۳۰	۳۴	۴/۸۲	
فساد	۷	۱/۴۸	۱۲	۵/۲۰	۱۹	۲/۷۰	
برکناری و استعفا	۱۹	۴/۰۱	۲۵	۱۰/۸۲	۴۴	۶/۲۴	
تعقیب، محاکمه و مجازات	۷۰	۱۴/۷۷	۷	۳/۰۳	۷۷	۱۰/۹۲	
جلوگیری	۳۶	۷/۵۹	۱۲	۵/۲۰	۴۸	۶/۸۱	
عدم دخالت	۱۹	۴/۰۱	۰	۰	۱۹	۲/۷۰	
تغییر	۱۶	۳/۳۷	۳	۱/۳۰	۱۹	۲/۷۰	
سانسور	۹	۱/۹۱	۵	۲/۱۶	۱۴	۱/۹۸	
غیرقانونی	۴	۰/۸۴	۷۰	۳۰/۳۰	۷۴	۱۰/۵۰	
اعلام انزجار	۱۳	۲/۷۴	۳۹	۱۶/۸۸	۵۲	۷/۳۸	
جمع	۴۷۴	۱۰۰	۲۳۱	۲۳۱	۷۰۵	۱۰۰	

با توجه به تعداد مواد قطع‌نامه‌های سه ماهه اول ۹۲۰ ماده (۴۹۰ ماده صنفی + ۴۳۰ ماه سیاسی) و قطع‌نامه‌های سه ماهه دوم با ۴۶۶ ماده (۴۴۰ ماده سیاسی + ۲۶ ماده صنفی)، واژه‌های سلبی در این دو مقطع مقایسه شده نتایج ارزشمندی را نشان می‌دهد. از واژه‌های ۱۶ گانه تنها ۶ واژه «برچیندن»، «فساد»، «برکناری»، «سانسور»، «اعلام انزجار» و

«غیر قانونی» افزایش نشان می‌دهد. در دو ماده اخیر افزایش بسیار قابل توجه بوده است. به طوری که واژه «غیر قانونی» در سه ماهه اول پایین‌ترین فراوانی (۴) و درصد (۰/۸۴) و در سه ماهه دوم بالاترین فراوانی (۷۰) و درصد (۳۰/۳۰) را به خود اختصاص داده است. می‌توان گفت به کارگیری واژگان سلبی در این دو مقطع روند نزولی داشته است. جدول شماره (۹) به خوبی نشان می‌دهد که با کاهش واژگان سلبی چه واژگان یا ادبیات سیاسی جای آن را می‌گیرد.

جدول شماره ۹: واژه‌های ایجابی در قطع‌نامه‌ها

ایجابی	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
آزادی	۱۱۴	۲۸/۷۸	۷۷	۲۳/۳۳	۱۹۱	۲۶/۳۲	
استقلال	۱۵	۳/۷۸	۱۹	۵/۷۷	۳۴	۴/۶۸	
تأمین و تضمین امنیت	۳۳	۸/۳۱	۶	۱/۸۲	۳۹	۵/۳۸	
تشکیل	۳۱	۷/۸۱	۳۰	۹/۱۰	۶۱	۸/۴۱	
افزایش	۱۴	۳/۵۳	۰	۰	۱۴	۱/۹۴	
اجرا	۲۴	۶/۰۵	۴	۱/۲۱	۲۸	۳/۸۶	
اعاده حیثیت	۱۹	۴/۷۹	۱	۰/۳۰	۲۰	۲/۷۶	
انتخاب	۱۸	۴/۵۳	۱۴	۴/۲۴	۳۲	۴/۴۱	
همبستگی یا نهضت	۱۴	۳/۵۳	۸۶	۲۶/۰۶	۱۰۰	۱۳/۷۷	
ایجاد	۳۶	۹/۰۷	۲۸	۸/۴۸	۶۴	۸/۸۲	
برقراری	۱۸	۴/۵۳	۲۳	۶/۹۷	۴۱	۵/۶۵	
بازگشت	۴۲	۱۰/۵۸	۱۲	۳/۶۳	۵۴	۷/۴۴	
عدالت	۵	۱۰/۲۶	۱۵	۴/۵۵	۲۰	۲/۷۶	
مشارکت	۹	۲/۲۷	۷	۲/۱۲	۱۶	۲/۲۱	
احیا و اصلاح	۴	۱/۰۱	۸	۲/۴۲	۱۲	۱/۵۸	
جمع	۳۹۶	۱۰۰	۳۳۰	۱۰۰	۷۲۶	۱۰۰	

جدول شماره (۹) نشان می‌دهد، در مجموع، تعداد واژه‌های ایجابی در سه ماهه اول بیش از سه ماهه دوم است. با توجه به کمی تعداد قطع‌نامه‌ها در سه ماهه دوم، در بسیاری از موارد درصد واژه‌ها افزایش نشان می‌دهد. از جدول ۱۵ گانه واژه‌های ایجابی بر می‌آید، فراوانی واژه‌های «استقلال»، «تشکیل»، «همبستگی با نهضت»، «برقراری»، «عدالت»، «احیا و اصلاح»

افزایش یافته است. نکته قابل توجه در این جدول افزایش چند برابر «همبستگی با نهضت» و «عدالت» است. تشدید سرکوب حکومت نظامی به همبستگی سیاسی گروه‌ها و توده مردم انجامیده است.

مقایسه دو جدول شماره‌های ۸ و ۹ نشان می‌دهد که در مجموع واژه‌های ایجابی (۷۲۶ واژه) بیش از واژه‌های سلبی (۷۰۵ واژه) است. در سه ماهه اول واژه‌های سلبی با کسب ۴۷۴ واحد یا ۶۷/۲۳ درصد از واژه‌های ایجابی با ۳۹۶ واحد یا ۵۴/۵۴ درصد پیش افتاده است. اما در سه ماهه دوم واژه‌های سلبی با کسب ۲۳۱ واحد یا ۳۲/۷۷ درصد در مقایسه با واژه‌های ایجابی با ۳۳۰ واحد یا ۴۵/۴۶ درصد کاهش محسوس را نشان می‌دهد. کاهش واژه‌های سلبی در دو دوره سه ماهه نیز بسیار محسوس است. به طوری که در سه ماهه دوم واژه‌های سلبی (۳۲/۷۷ درصد) به نسبت دوره قبل (۶۷/۲۳ درصد) بیش از دو برابر کاهش را نشان می‌دهد.

ث: کالبدشکافی نمونه‌وار چند واژه سلبی و ایجابی

به منظور روشن شدن محتوای واژه‌های به کار رفته در قطع‌نامه‌ها و تشریح کاربرد اصلی آن‌ها در متن، لازم است تعدادی از واژه‌های کلیدی کالبدشکافی شود. هرچند کالبدشکافی همه واژه‌ها در تبیین و تشریح دیدگاه انقلاب مؤثر است، اما عملی‌سازی آن به تطویل این مقاله می‌انجامد. نگارنده به منظور اجتناب از اطالة کلام فقط به عنوان نمونه سه واژه ایجابی «آزادی»، «استقلال»، «همبستگی با نهضت» و سه واژه سلبی «انحلال» و «اخراج»، «تبعیض» بررسی خواهد شد.

کاربرد واژه «آزادی» به سه دسته تقسیم شده است: «آزادی به‌مثابه رفتار، باور و عملکرد دموکراتیک»، «آزادی زندانیان سیاسی و تبعیدیان» و «سایر موارد». آزادی‌های دموکراتیک به شکل‌های زیر دیده می‌شود: آزادی بیان و اجتماعات، آزادی تظاهرات، آزادی در انتخابات، آزادی و احترام به حقوق انسانی، آزادی اعتقادات مذهبی، آزادی و حکومت مردم بر مردم، آزادی قلم و مطبوعات، آزادی فعالیت‌های سیاسی مخالفان، آزادی به‌عنوان حق طبیعی، رعایت آزادی و حیثیت و حریم ملت، آزادی احزاب و گروه‌ها، آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی، آزادی سخنرانی‌های مذهبی و غیر مذهبی، آزادی فردی و اجتماعی، آزادی از یوغ دیکتاتوری، تأمین آزادی جریان خبررسانی، آزادی فعالیت‌های سندیکاها و کارگری و غیره. توزیع فراوانی واژه «آزادی» در دسته‌های سه‌گانه در جدول شماره (۱۰) نمایش داده می‌شود.

جدول شماره ۱۰. توزیع فراوانی واژه آزادی در خواسته‌های انقلابیون

واژه	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
آزادی دموکراتیک	۴۳	۴۲/۱۶	۵۵	۷۱/۴۳	۹۸	۵۴/۷۵	
آزادی زندانیان سیاسی	۵۵	۵۳/۹۲	۱۲	۱۵/۵۸	۶۷	۳۷/۴۳	
سایر موارد	۴	۳/۹۲	۱۰	۱۲/۹۹	۱۴	۷/۸۲	
جمع	۱۰۲	۱۰۰	۷۷	۱۰۰	۱۷۹	۱۰۰	

واژه «آزادی» در مجموع با کسب ۹۸ واحد یا ۵۴/۷۵ درصد در صدر خواسته‌های انقلابیون قرار داشته است. افزایش ۲۹/۲۷ درصدی آن در سه ماهه دوم علی‌رغم کمی تعداد قطع‌نامه‌ها و مواد آن‌ها در سه ماهه دوم (رک جدول شماره ۱ و ۲) افزایش قابل توجهی در خواسته‌ها پدید آمده است. با آزادی زندانیان سیاسی در ماه‌های قبل این خواسته نیز به‌طور قابل ملاحظه کاهش یافته است.

با توجه به جایگاه محوری واژه آزادی در شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، این واژه در جداول شماره ۹ و ۱۰ سهم خاصی را به خود اختصاص داده است. جامعه ایران که یک دوره طولانی از استبداد را تجربه کرده بود از طریق انقلاب می‌خواست دوره حاکمیت بدون استبداد را تجربه نماید. تجربه آرمانی در قالب مفهوم آزادی از قید و بند استبداد و تفکر استبدادی تجلی یافته است. در جدول ۱۰ اگر از شاخص «آزادی زندانیان سیاسی» که برداشتی سطحی و ظاهری از آزادی است تا بار معنایی و محتوایی صرف‌نظر کنیم، در شاخص دوم یعنی «آزادی دموکراتیک» رهایی از بند استبداد کاملاً نمایان است و تنظیم‌کنندگان قطع‌نامه‌ها از آن برداشت سیاسی و فلسفی داشتند، نه نگرش‌های سطحی. البته این خواسته از انقلاب مشروطیت تاکنون در انقلاب‌ها و نهضت‌های مهم ملت تکرار شده است، اما در انقلاب اسلامی از نظر معنایی و کمی گسترش یافته بود.

«همبستگی با نهضت» مؤلفه دیگری است که در جدول شماره (۱۱) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این مؤلفه برای اظهار همدردی، پشتیبانی، حمایت از قشرهای برخاسته جهت ادامه اقدامات انقلابی تا حصول پیروزی نهایی است.

یافته‌های جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد، همبستگی مردم در دوران سرکوب رفته‌رفته افزایش پیدا کرده است. شاید حتی دولت نظامی از هاری که وقایع خونین محرم را پدید آورد خود به‌عنوان عامل همبستگی ساز ملت نقش ایفا کرده است. اعلام همبستگی قطع‌نامه‌ها در سه ماهه

جدول شماره ۱۱. اعلام همبستگی جهت حمایت و تداوم حرکت انقلابی

واژه	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
همبستگی با فرهنگیان	۲	۱۴/۲۹	۸	۹/۳۰	۱۰	۱۰	۱۰
همبستگی با کارمندان	۲	۱۴/۲۹	۵	۵/۸۱	۷	۷	۷
همبستگی با روحانیان	۲	۱۴/۲۹	۱۱	۱۲/۷۸	۱۳	۱۳	۱۳
همبستگی با کارگران	۰	۰	۴	۴/۶۵	۴	۴	۴
همبستگی با مطبوعات	۰	۰	۲	۲/۳۲	۲	۲	۲
همبستگی با همافران	۰	۰	۳	۳/۸۹	۳	۳	۳
همبستگی با زندانیان	۲	۱۴/۲۹	۲	۲/۳۲	۴	۴	۴
همبستگی با کلیه اقشار	۶	۴۲/۸۴	۵۱	۵۹/۲۹	۵۷	۵۷	۵۷
جمع	۱۴	۱۰۰	۸۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

اول نوعی تعادل را نشان می‌دهد. جز مورد «همبستگی با کلیه اقشار» بقیه موارد فراوانی و درصد برابری را کسب کرده‌اند. اما این معادله در سه ماهه دوم به هم خورده «همبستگی با کلیه اقشار» با کسب ۵۹/۲۹ درصد و روحانیان با کسب ۱۲/۷۸ درصد بالاترین همبستگی را به دست آورده‌اند. البته به جز «کلیه اقشار» بقیه با کاهش درصد حمایتی مواجه شده‌اند. باید دلیل این کاهش را در توده‌ای شدن انقلاب و به هم خوردن مرزهای اقشار و همبستگی‌های شغلی در تظاهرات‌ها ارزیابی کرد.

واژه «استقلال» یکی دیگر از واژه‌های ایجابی مطرح شده در قطع‌نامه‌هاست. این واژه به دلیل پیوند خوردن با آزادی و جمهوری اسلامی از معروفیت بیشتری برخوردار شده و در شعار ملی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» خودنمایی می‌کند. اما برخلاف انتظار در قطع‌نامه‌ها این واژه بیشتر به معنای سیاسی-ملی به کار نرفته است. بلکه کاربرد آن محدود و در عرصه نهادها و سازمان‌ها مطرح شده است. جدول شماره (۱۲) توزیع فراوانی و درصد واژه «استقلال» را در دو دوره مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول ۱۲ نشان می‌دهد با طولانی شدن تحولات انقلابی و رشد آگاهی‌های سیاسی مردم، نوع خواسته‌های آن‌ها نیز از نظر کیفی تغییر پیدا می‌کند. سه محور استقلال قوه قضائیه، استقلال سیاسی و حفظ تمامیت ارضی و استقلال اقتصادی نیز افزایش یافته است. توضیح این نکته لازم است که در محور «سایر موارد» خواسته‌های صنفی چون استقلال صندوق تأمین اجتماعی، استقلال هنری و فرهنگی دانشکده دراماتیک و غیره آمده است.

جدول شماره ۱۲. توزیع فراوانی واژه استقلال در مواد قطع‌نامه‌ها

واژه	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
استقلال دانشگاه‌ها	۵	۳۳/۳۴	۵	۲۶/۳۱	۱۰	۲۹/۴۱	
استقلال رادیو و تلویزیون	۲	۱۳/۳۳	۱	۵/۲۶	۳	۸/۸۲	
استقلال فکری معلمان	۲	۱۳/۳۳	۱	۵/۲۶	۳	۸/۸۲	
استقلال قوه قضاییه	۰	۰	۳	۱۵/۷۹	۳	۸/۸۲	
استقلال سیاسی و حفظ تمامیت ارضی	۲	۱۳/۳۳	۳	۱۵/۷۹	۵	۱۴/۷۱	
استقلال اقتصادی	۱	۶/۶۷	۲	۱۰/۵۲	۳	۸/۸۲	
سایر موارد	۳	۲۰	۴	۲۱/۰۶	۷	۲۰/۵۹	
جمع	۱۵	۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۳۴	۱۰۰	

از واژه‌های سلبی «انحلال» در جدول شماره (۱۳) مورد تجزیه قرار گرفته است.

جدول شماره ۱۳. توزیع فراوانی واژه «انحلال» در مواد قطع‌نامه‌ها

واژه	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
انحلال ساواک و سایر نهادهای امنیتی	۱۰	۲۲/۷۳	۰	۰	۱۰	۱۷/۲۴	
انحلال مجلسین	۶	۱۳/۶۴	۷	۵۰	۱۳	۲۲/۴۱	
انحلال نهادهای حفاظتی از ادارات و کارخانه‌ها	۱۲	۲۷/۲۷	۲	۱۴/۲۹	۱۴	۲۴/۱۳	
انحلال حفاظت از مدارس	۶	۱۳/۶۴	۰	۰	۶	۱۰/۳۴	
انحلال نهادهای مدنی فرمایشی	۷	۱۵/۹۱	۲	۱۴/۲۹	۹	۱۵/۵۲	
انحلال مدارس مختلط	۱	۲/۲۷	۰	۰	۱	۱/۷۳	
انحلال شورای سلطنت	۰	۰	۳	۲۱/۴۲	۳	۵/۱۸	
سایر موارد	۲	۴/۵۴	۰	۰	۲	۳/۴۵	
جمع	۴۴	۱۰۰	۱۴	۱۰۰	۵۸	۱۰۰	

شایان توضیح است که در جدول شماره (۱۳) بیشتر واژه «انحلال» مورد نظر است. ممکن است در برخی از قطع‌نامه‌ها به جای واژه انحلال از واژه‌های دیگر همچون «لغو» و یا کلمات مشابه استفاده شود که در این جدول نیامده است.

واژه‌گزینش شده دوم «تبعیض» است. تنفر از تبعیض اختصاص به دوره خاصی ندارد، بلکه در هر حکومتی به شکلی رخ می‌نماید. در قطع‌نامه‌های این دوره مسئله تبعیض در سه معنی به کار رفته است: تبعیض یعنی رابطه به جای ضابطه، تبعیض یعنی رفتارهای غیر قانونی و بی‌ضابطه بین کارمندان ایرانی، تبعیض یعنی برتری دادن کارکنان و مستشاران و مهندسان خارجی نسبت به ایرانیان. در معنی دوم، تبعیض یعنی تفاوت قابل شدن غیر قانونی بین ایرانیان به صورت و قالب‌های زیر در قطع‌نامه‌ها منعکس شده است که نگارنده همه آن‌ها را تحت عنوان وجود تبعیض بین بخش دولتی و خصوصی، تبعیض بین کارمندان جدید و قدیم، تبعیض بین کارمندان موقت و ثابت، تبعیض بین کارمندان باسواد و کم‌سواد و با تجربه، تبعیض بین شاغلین و بازنشستگان، وجود تبعیض در استفاده از بورس‌های خارج، تبعیض بین معلمان و سایر کارمندان، تبعیض در سطوح مختلف آموزشی غیره به کار برده است. جدول شماره (۱۴) توزیع فراوانی واژه «تبعیض» را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۴. توزیع فراوانی خواسته‌های ناظر بر رفع تبعیض در قطع‌نامه‌ها

واژه تبعیض	زمان		سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
	۶	۲۰						
رابطه به جای ضابطه	۶	۲۰	۱۹/۳۵	۲	۶۶/۶۶	۸	۲۳/۵۳	
تبعیض بین ایرانیان	۲۰	۲۰	۶۴/۵۲	۱	۳۳/۳۴	۲۱	۶۱/۷۶	
تبعیض بین ایرانیان و خارجیان	۵	۵	۱۶/۱۳	۰	۰	۵	۱۴/۷۱	
جمع	۳۱	۳۱	۱۰۰	۳	۱۰۰	۳۴	۱۰۰	

وجود تبعیض در ساختار سیاسی و اداری کشور در جدول شماره (۱۴) به نمایش درآمد و نشان می‌دهد که واژه «تبعیض» با کسب ۳۴ واحد یا ۴/۸۲ درصد از میان شانزده واژه در مرتبه نهم قرار گرفته است. آمار فوق نشان می‌دهد که وجود تبعیض بین ایرانیان در ادارات و نهادها مهم‌ترین دغدغه مخالفان رژیم بود.

سومین واژه برگزیده شده واژه «اخراج» است که هم با مفهوم «تبعیض» ارتباط دارد و هم با کسب ۶۱ واحد یا ۹/۵۰ درصد در مقام چهارم جدول شماره (۱۵) قرار گرفته است. به منظور تبیین بهتر واژه آن به شش مؤلفه تفکیک شده است. جدول شماره (۱۵) توزیع فراوانی واژه را در قطع‌نامه‌ها نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۵. توزیع فراوانی واژه «اخراج» در مواد قطع‌نامه‌ها

درصد	جمع	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	سه‌ماهه اول	زمان
						واژه اخراج
۳۷/۱۱	۳۶	۳۸/۸۹	۱۴	۳۶/۰۷	۲۲	اخراج خارجیان از کشور
۹/۲۸	۹	۲/۷۸	۱	۱۳/۱۱	۸	اخراج فرق ضاله
۲۸/۸۷	۲۸	۴۷/۲۲	۱۷	۱۸/۰۳	۱۱	اخراج عناصر وابسته و فاسد
۱۵/۴۶	۱۵	۸/۳۳	۳	۱۹/۶۷	۱۲	اخراج عناصر امنیتی از ادارات
۸/۲۵	۸	۲/۷۸	۱	۱۱/۴۸	۷	بازگشت اخراج‌شدگان بر سر کار
۱/۰۳	۱	۰	۰	۱/۶۴	۱	جلوگیری از اخراج کارکنان
۱۰۰	۹۷	۱۰۰	۳۶	۱۰۰	۶۱	جمع

محور «اخراج خارجیان از کشور» که بیانگر ماهیت ضد استعماری و استکباری انقلاب اسلامی است به صورت چندین خواسته دیده می‌شود: اخراج خارجیان و لغو قراردادهای خارجی، ایرانی کردن شرکت نفت و اخراج کلیه خارجی‌ها، سپردن کارها به دست ایرانی‌ها، لغو قرارداد کنسرسیوم و اخراج مستشاران خارجی، خروج از کلیه پیمان‌های خارجی، اخراج ۱۵۰۰ آمریکایی از ۳۰۰۰ کارمند شرکت هلیکوپترسازی، اخراج اسراییلی‌ها و قطع رابطه با آن دولت غاصب، اخراج عوامل استعمار و محکوم کردن استعمارگران و قطع رابطه با امپریالیست‌ها و غیره از مهم‌ترین داده‌های مطرح شده در این زمینه است.

در محور «اخراج عناصر وابسته و فاسد» نیز مواردی چون افراد رشوه‌گیر، برکناری سفرای فاسد، جاسوسان و عوامل وابسته و نوکر مآب گنجانده شده است.

توزیع فراوانی دو محور «اخراج خارجیان از کشور» و «اخراج عناصر وابسته و فاسد» در هر دو دوره افزایش یافته است. تأکید به این خواسته نشانگر آگاهی مردم از سیاست داخلی و خارجی است. مردم علی‌رغم مشاهده علایم پیروزی انقلاب در سه ماهه دوم باز هم دست از مخالفت برنداشتند. اگر کاهش ۲۰ درصدی تعداد قطع‌نامه‌های دوره دوم در مقایسه با دوره اول (مطابق جدول شماره ۲) را در نظر بگیریم و افزایش حدود ۲ درصدی محور اول و ۲۹ درصدی محور سوم را مورد تأمل قرار دهیم پافشاری انقلابیون با این خواسته‌ها جهت‌گیری سیاسی انقلاب را نشان خواهد داد. هرچند در جدول ۱۲ تأکید شد که مفهوم استقلال بیشتر ناظر بر عرصه نهادها و سازمان‌ها مطرح شده است و هدف از آن نیز بیشتر استقلال از جنبه نفوذ

دامن‌گستر استبداد و قطع مداخله عوامل مداخله‌گر غیر مسئول است. اما از فحوای جدول ۱۵ می‌توان برداشتی از مفهوم استقلال سیاسی پی برد. جدول ۱۴ بر وجود تبعیض بین ایرانیان و خارجیان در ساختار سیاسی، اقتصادی و اداری تأکید شده است. در جدول ۱۵ اخراج خارجیان از کشور نماد استقلال تلقی شده است و بالاترین رتبه را در میان شاخص‌های دیگر جدول به خود اختصاص داده است.

ج: تحلیل کمی ماهیت و نهادهای حکومت پهلوی

سلطنت پهلوی از زمان تشکیل با ماهیت استبدادی با تکیه بر قدرت‌های خارجی به حیات سیاسی خود ادامه داد. فراز و نشیب‌های این رژیم در برهه‌هایی همچون سقوط رضاشاه، نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سرکوب نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ روند دیکتاتوری آن را شتاب بخشید. بستن فیضیه و بعد تبعید امام خمینی نقطه عطف دیگری در روند استبدادگرایی پهلوی بود. استبدادگرایی رژیم با حرکت‌های افراطی سکولار نیز همراه شد. رژیم پهلوی برخلاف سلطنت‌های پیشین از مؤلفه‌های سنتی و مذهبی بهره نگرفت، بلکه سعی نمود با درآمیختن مدرنیسم و سلطنت سنتز جدیدی به دست آورد. محمدرضا پهلوی برای ایجاد نوعی تعادل بین این مؤلفه‌ها نیازمند احیای شوکت پادشاهی مستبدانه پدرش بود. بنابراین سعی داشت نقش پادشاه همه‌کاره را از طریق اعمال نظارت بر نهادهای دموکراتیک بازی کند. با این همه، دوست داشت خود را یک پادشاه مترقی معرفی کند، نه یک پادشاه سنتی (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۴۲).

دوگانه‌اندیشی شاه به بحران نهفته ساختاری جامعه دامن زد و آن را پیچیده‌تر از گذشته ساخت. پافشاری بیش از حد شاه به این‌که بحران‌های نهفته ساختاری از طریق پیشبرد افراطی مدرنیسم حل خواهد شد، رژیم را به تحمیل مدرنیسم بر پیکر یک جامعه سنتی با تکیه بر اهرم سرکوب واداشت. ساواک در نزد مخالفان سیاسی سمبل شکنجه و اعدام‌های غیر قانونی و سانسور شناخته می‌شد. با مطرح شدن بدیل‌های رژیم سلطنت از اعتبار و منزلت آن در جامعه کاسته شد. ماهیت و عملکرد نهادهای پنجاه ساله حکومت پهلوی در قطع‌نامه‌های شش ماهه آخر عمر آن انعکاس یافته است. در واقع، قطع‌نامه‌ها کارنامه سیاسی حکومت پهلوی به قضاوت مردم است.

حال، به منظور تحلیل کمی ماهیت سلطنت پهلوی، واژه‌ها و مفاهیم به کار رفته در قطع‌نامه‌ها در هشت محور جدول شماره (۱۶) استخراج شده است.

جدول شماره ۱۶. توزیع فراوانی مخالفت با استبداد و مواضع ضد‌مردمی رژیم سابق در مواد قطع‌نامه‌ها

مفاهیم	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
استبدادی و دیکتاتوری و آزادی‌کش	۴	۲۵	۲۰	۲۶/۳۲	۲۴	۲۶/۰۹	
طاغوت منفور و فاسد	۳	۱۸/۷۵	۱۲	۱۵/۷۹	۱۵	۱۶/۳۰	
غیر قانونی و باطل	۱	۶/۲۵	۱۳	۱۷/۱۱	۱۴	۱۵/۲۲	
ضد دین، غاصب و یزیدی	۳	۱۸/۷۵	۹	۱۱/۸۳	۱۲	۱۳/۰۴	
ضد مردمی، سفاک و غیر انسانی	۲	۱۲/۵۰	۷	۹/۲۱	۹	۹/۷۸	
وابسته و نوکر بیگانگان	۳	۱۸/۷۵	۷	۹/۲۱	۱۰	۱۰/۸۷	
رژیم ارتجاعی شاهنشاهی	۰	۰	۸	۱۰/۵۳	۸	۸/۷۰	
جمع	۱۶	۱۰۰	۷۶	۱۰۰	۹۲	۱۰۰	

جدول شماره (۱۶) نشان می‌دهد که نگرش منفی مردم به سلطنت در طول سه ماه چقدر تغییر یا تداوم یافته است. ویژگی «استبدادی و دیکتاتوری» در طول شش ماهه (۲۶/۰۹ درصد) تغییر زیاد پیدا نکرده است. افزایش اندک نیز در تأیید موضع قبلی است. اما ویژگی «غیر قانونی و باطل» بودن رژیم، ۱۰/۸۶ درصد افزایش یافته است. ویژگی «رژیم ارتجاعی شاهنشاهی» نیز افزایش ۱۰/۵۳ درصد را نشان می‌دهد. در میان شاخص‌های این جدول تنها شاخص «ضد دین، غاصب و یزیدی» از نظر فراوانی افزایش معناداری را نشان می‌دهد که می‌توان آن را ناشی از مشارکت همه‌جانبه فقهای شیعی و کشتارهای ماه‌های محرم و صفر سال ۱۳۵۷ دانست. اما کاهش درصد آن به معنای تخفیف جنبه ضد‌دینی رژیم نبود. در کل این شاخص چهارمین رتبه را بین شاخص‌های جدول به خود اختصاص داده است. واقعیت آن است که این نوع قضاوت برآیند پنجاه سال حکومت دیکتاتورمآبانه رژیم پهلوی است. نگرش مردم به ماهیت رژیم در جدول (۱۷) نیز دیده می‌شود.

به منظور تبیین کمی ماهیت نهادهای رژیم پهلوی، مفاهیمی از قطع‌نامه استخراج و در جدول شماره (۱۷) درج می‌شود.

نکته قابل توجه در جدول شماره (۱۷) افزایش چند مؤلفه در سه ماهه دوم است. روند فزاینده این واحدها در حالی صورت می‌گیرد که قبلاً یادآور شدیم مواد قطع‌نامه‌های سه‌ماهه دوم کمتر از سه ماهه اول است. صفر شدن واحد «انحلال ساواک» در سه ماهه دوم به این دلیل است که در این تاریخ ساواک عملاً منحل شده بود. نهاد «ارتش» تنها نهاد وابسته به ساختار قدرت است و

جدول شماره ۱۷. توجه به ماهیت رژیم غیرمردمی سابق در مواد قطع‌نامه‌ها

زمان	تهادها	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
مجلسین غیر قانونی	۹	۶/۳۸	۱۹	۱۶/۳۸	۲۸	۱۰/۸۹	
اجرای قانون اساسی	۱۲	۸/۵۱	۷	۶/۰۳	۱۹	۷/۳۹	
الغای قوانین ضداسلامی و مخالف قانون	۹	۶/۳۸	۱۷	۱۴/۶۶	۲۶	۱۰/۱۲	
اتحلال ساواک	۱۰	۷/۰۹	۰	۰	۱۰	۳/۸۹	
دولت غیر قانونی	۱	۰/۷۱	۳۴	۲۹/۳۱	۳۵	۱۳/۶۲	
ارتش	۰	۰	۷	۶/۰۳	۷	۲/۷۲	
اتحلال نهادهای امنیتی	۳۵	۲۴/۸۲	۳	۲/۵۹	۳۸	۱۴/۷۹	
شورای غیر قانونی سلطنت	۰	۰	۱۲	۱۰/۳۵	۱۲	۴/۶۷	
اتحلال نهادهای مدنی فرمایشی	۱۳	۹/۲۲	۷	۶/۰۳	۲۰	۷/۷۸	
برگزاری انتخابات آزاد	۶	۴/۲۶	۰	۰	۶	۲/۳۴	
لغو حکومت نظامی	۴۶	۳۲/۶۳	۱۰	۸/۶۲	۵۶	۲۱/۷۹	
جمع	۱۴۱	۱۰۰	۱۱۶	۱۰۰	۲۵۷	۱۰۰	

رژیم از آن در تثبیت پایه‌های قدرت خود استفاده کرده است که قطع‌نامه‌ها به آن نگرشی مثبت نشان داده‌اند.

در این قطع‌نامه‌ها از ارتش با جملات احترام‌آمیز همچون «ملت به ارتش آزاده احترام می‌گذارد»، «ارتش حافظ استقلال و تمامیت ارضی مملکت است»، «ارتش از ملت جدا نیست»، «ملت از ارتش و ارتش از ملت پشتیبانی می‌کند» و غیره. در ایجاد نگرش مثبت مردم به ارتش نباید از پیام امام خمینی به مردم در حمایت از ارتش غافل شد. از ۱۱ واحد ۵ واحد بالای ۱۰ درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است.

حاصل سخن این‌که، قطع‌نامه‌ها به رژیم پهلوی به‌عنوان یک مجموعه و منظومه نگرسته و ماهیت آن را با نهادهایش مرتبط می‌دانند. به این دلیل آهنگ رد سلطنت و نگرش منفی به نهادهای رژیم نوعی تعادل نشان می‌دهد. هرچند توزیع فراوانی شماره (۱۴) در مقایسه با توزیع فراوانی جدول شماره (۱۵) واحدهای کمتری را نشان می‌دهد، اما می‌توان دلیل آن را همان‌طوری که گفته شد رفتار احتیاط‌آمیز مردم درباره قضاوت‌شان از خود سلطنت و شخص اول کشور دانست. فرهنگ سیاسی مردم ایران به گونه‌ای است که انتقاد از رأس قدرت خود را در لابه‌لای انتقاد از نهادها پنهان می‌سازند. به سخن دیگر، در فرهنگ محتاطانه انتقاد از نهادهای

پایین در واقع همان انتقاد از خود سلطنت تلقی می‌شود. زیرا مردم - شاید به درستی - تفکیک قوا را باور نداشته و همه نظام سیاسی را یک مجموعه یکپارچه می‌پنداشتند که در زیر سیطره شاه قرار گرفته بود.

ح: تحلیل کمی ماهیت نهضت و نهادهای انقلابی

یکی از نکات کلیدی قطع‌نامه‌ها توجه چند بعدی به قضایای انقلاب بود. هر چند صدور قطع‌نامه‌ها در شرایط سیاسی و اجتماعی خاصی صورت گرفته است، اما رویکرد ایجابی نیز در آن‌ها دیده می‌شود. باید اذعان داشت که رویکرد ایجابی در قطع‌نامه‌ها پدیده‌ای جدید است و بیشتر در سه ماهه دوم دیده می‌شود. یعنی با رفتن امام به پاریس در صحنه سیاست ایران تحولات جدیدی به وجود آمد و مسئله جمهوری اسلامی توسط امام مطرح گردید و این ابتکار انقلابی رویکرد ایجابی انقلاب را به شدت تقویت کرد.

حال برای تبیین رویکرد ایجابی انقلاب اسلامی، سه محور «ماهیت نهضت»، «نام حکومت جدید» و «نهادهای انقلابی» طراحی شده است. هر یک از این محورها بخشی از رویکرد ایجابی را روشن می‌کند. جدول شماره (۱۸) ماهیت نهضت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۸. اعلام ماهیت نهضت در قطع‌نامه‌ها

ماهیت نهضت	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
نهضت اسلامی	۸	۴۴/۴۴	۲۰	۳۶/۳۶	۲۸	۳۸/۳۶	
نهضت ملی	۲	۱۱/۱۱	۷	۱۲/۷۳	۹	۱۲/۳۳	
نهضت دموکراتیک و ملی	۰	۰	۲	۳/۶۴	۲	۲/۷۴	
ضد دیکتاتوری و ضد استبدادی	۳	۱۶/۶۷	۶	۱۰/۹۱	۹	۱۲/۳۳	
نهضت ضد استعماری	۲	۱۱/۱۱	۵	۹/۰۹	۷	۹/۵۹	
نهضت اسلامی - ملی	۲	۱۱/۱۱	۳	۵/۴۵	۵	۶/۸۵	
جنبش کارگری	۱	۵/۵۶	۲	۳/۶۴	۳	۴/۱۱	
نهضت اصیل و رهایی‌بخش	۰	۰	۵	۹/۰۹	۵	۶/۸۵	
نهضت حق طلبانه و آزادی‌بخش	۰	۰	۴	۷/۲۷	۴	۵/۴۸	
حرکت توحیدی	۰	۰	۱	۱/۸۲	۱	۱/۳۶	
جمع	۱۸	۱۰۰	۵۵	۱۰۰	۷۳	۱۰۰	

جدول شماره (۱۸) نشان می‌دهد که محور «نهضت اسلامی» با کسب بالاترین درصد (۳۸/۳۶) ماهیت اصلی انقلاب را نشان می‌دهد. جالب آن است که در کنار آن سایر خواسته‌ها که گهگاه در تقابل فکری با این خواسته بوده در جدول دیده می‌شود. در رده‌های بعدی محور «نهضت ملی» و «ضد دیکتاتوری و ضد استبدادی» به‌طور مشترک با کسب ۱۲/۳۳ قرار گرفته است. تذکر این نکته لازم است که از بسیاری از قطع‌نامه‌ها چنین برمی‌آید که مردم خط فاصل دقیق و علمی بین برخی از جنبه‌ها، مثلاً بین «اسلامی» و «ملی» و «حق طلبانه و آزادیخواهانه»، ترسیم نکرده‌اند. همان‌گونه که در محور ششم جدول بالا ۵ واحد یا ۶/۸۵ درصد به ماهیت دوانگاره‌ای آن اختصاص یافته است. در برخی قطع‌نامه‌ها گاهی واژه «اسلامی» به کار رفته و چند ماده بعد و گاهی حتی در همان ماده واژه «ملی» استفاده شده است.

دومین محور در تبیین ماهیت ایجابی قطع‌نامه‌ها «نام حکومت آینده» می‌باشد، که قابل بررسی است. قطع‌نامه‌ها نشان می‌دهد مردم نه تنها به ماهیت نهضت خود توجه داشتند به نام و چگونگی حکومت آینده نیز علاقه‌مند بودند. در قطع‌نامه‌ها درباره نام حکومت تنوع زیادی دیده می‌شود. جدول شماره (۱۹) توزیع فراوانی و درصد نام حکومت را در دو دوره مورد پژوهش نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۹. معرفی «حکومت آینده» در قطع‌نامه‌ها

نام حکومت	زمان	سه‌ماهه اول	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	جمع	درصد
جمهوری اسلامی		۰	۰	۲۰	۴۰	۲۰	۳۶/۳۶
حکومت اسلامی		۳	۶۰	۸	۱۶	۱۱	۲۰
جمهوری عدل اسلامی		۰	۰	۲	۴	۲	۳/۶۴
جمهوری آزاد اسلامی		۰	۰	۲	۴	۲	۳/۶۴
جمهوری دموکراتیک اسلامی		۰	۰	۲	۴	۲	۳/۶۴
حکومت عدل اسلامی		۰	۰	۱۰	۲۰	۱۰	۱۸/۱۸
حکومت ملی		۱	۲۰	۲	۴	۳	۵/۴۵
حکومت ملی - اسلامی		۱	۲۰	۲	۴	۳	۵/۴۵
حکومت دموکراتیک		۰	۰	۲	۴	۲	۳/۶۴
جمع		۵	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۵	۱۰۰

جدول شماره (۱۹) دغدغه حکومت آینده نزد ملت را براساس قطع‌نامه‌ها نشان می‌دهد. در

سه ماهه اول تنها سه مدل حکومتی یعنی حکومت اسلامی، حکومت ملی و حکومت ملی-اسلامی با واحدهای بسیار کم مطرح شده است. اما در دوره دوم تحت تأثیر رهبری امام خمینی مدل حکومتی مطرح شده توسط ایشان یعنی «جمهوری اسلامی» با جهش بسیار بالاترین فراوانی (۲۰ واحد) و درصد (۳۶/۳۶) را در سه ماهه دوم به خود اختصاص داد. در رده‌های دوم و سوم مدل «حکومت اسلامی» با ۲۰ درصد و «حکومت عدل اسلامی» با ۱۸/۱۸ درصد قرار گرفته است. نکته دیگر این‌که از ۹ مدل حکومتی ارائه شده ۶ مدل از نوع حکومت‌های ترکیبی است. یعنی از اجزای متفاوت تشکیل شده است. جالب‌تر آن‌که ۷ مدل حکومتی پسوند اسلامی دارد. این امر به این معنی است که اسلام‌خواهی در انقلاب اسلامی اصلی مسلم بوده است. البته مدل‌های با پسوند اسلامی یا بی‌پسوند از نظر ماهیت و محتوا با هم تفاوت دارند، اما گفتمان غالب گفتمان اسلامی بود.

سومین محور «نهادهای انقلابی» است. به منظور عینی کردن نهادهای انقلابی آن را به پنج مؤلفه در قالب جدول شماره (۲۰) تقسیم شده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این محور مسئله رهبری نهضت و شخص امام خمینی است. نام ایشان به صورت‌های مختلف دیده می‌شود که در بسیاری از آن‌ها بر رهبری سیاسی و مرجعیت دینی آیت... خمینی توأمان اشاره شده است. تنها در چند مورد عنوان کلی «رهبر انقلاب» به کار رفته است در بقیه موارد نام و القاب امام آمده است. برای مثال: «رهبر عالی‌قدر امام خمینی»، «حضرت آیت... خمینی رهبر عالی‌قدر»، «زعیم عالی‌قدر حضرت آیت... العظمی خمینی»، «قاید اعظم و پیشوای روحانی حضرت امام خمینی» و غیره آمده است. غیر از امام آسامی دو تن از رهبران روحانی یعنی آیت... شریعتمداری و آیت... طالقانی نیز در قطع‌نامه‌ها آمده است اما توزیع فراوانی آن دو قابل مقایسه با نام امام نیست.

جدول شماره ۲۰. تأکید بر برخی نهادهای انقلابی در قطع‌نامه‌ها

درصد	جمع	درصد	سه‌ماهه دوم	درصد	سه‌ماهه اول	زمان
						نهادهای انقلابی
۶۲/۳۵	۵۳	۵۷/۷۵	۴۱	۸۵/۷۱	۱۲	رهبری امام خمینی
۹/۴۱	۸	۸/۴۵	۶	۱۴/۲۹	۲	رهبری دیگر شخصیت‌ها
۱۸/۸۲	۱۶	۲۲/۵۴	۱۶	۰	۰	شورای انقلاب
۸/۲۴	۷	۹/۸۵	۷	۰	۰	دولت موقت
۱/۱۸	۱	۱/۴۱	۱	۰	۰	مجلس مؤسسان
۱۰۰	۸۵	۱۰۰	۷۱	۱۰۰	۱۴	جمع

جدول شماره (۲۰) نشان می‌دهد که رهبری امام خمینی در انقلاب بلامنازع بوده است. هرچند در نگاه آماری در رهبری امام و سایر شخصیت‌ها علی‌رغم افزایش فراوانی با کاهش درصد روبه‌رو هستیم، در مقابل دو عامل دیگر یعنی «شورای انقلاب» و «دولت موقت» در عرصه قطع‌نامه‌ها پدیدار شده و درصد مناسبی (به ترتیب ۲۲/۵۴ و ۹/۸۵ درصد) به خود اختصاص داده است، اما واقعیت آن است که این امر به معنای کاهش محبوبیت امام نیست، بلکه از یک سو ناشی از تثبیت رهبری امام و از سوی دیگر ظهور آن دو پدیده جدید در عرصه سیاسی و داغ بودن بحث‌شان بوده است.

نکته جالب توجه دیگر جدول این است که در تمام قطع‌نامه‌ها دوره دوم به‌طور متوسط دست‌کم یکی از مؤلفه‌های جدول بالا آمده است که این اتفاق نظر در نوع خود در قطع‌نامه‌های دوره انقلاب بی‌نظیر است.

۷. نتیجه

قطع‌نامه‌ها از ابزارهای نوین اعتراض است که اغلب قشرهای متوسط جدید از آن بهره برده‌اند. قشرهای سنتی جامعه مانند روحانیان، بازاریان، کشاورزان و کارگران ساختمانی و غیره به‌جز موارد نادر از آن استفاده نکرده‌اند. قشرهای سنتی ابزارهای سنتی رایج اعتراض را به کار برده‌اند. جامعه آماری نشان می‌دهد قشرهای جدید مانند کارمندان دولت، کارگران کارخانجات و مؤسسات صنعتی، فرهنگیان از آن بهره برده‌اند. پس قالب قطع‌نامه قالبی فراگیر برای انعکاس خواسته‌های تمام اقشار نیست. با این‌همه، نمی‌توان از آن به‌دلیل فراگیر نبودن دایره شمولش نادیده گرفت.

قطع‌نامه‌ها به نوعی بیانگر دوگانگی در ساختارها، نگرش‌ها و وضعیت جامعه است. روند کلی این دوگانگی با گذشت زمان و تشدید مبارزات انقلابی نه تنها به وحدت متمایل نشد بلکه تحت تأثیر شرایط انقلابی تغییر سطح داده، دوگانگی از نوع دیگری را به نمایش گذاشت. این دوگانگی قطع‌نامه‌ها را به دو دسته قطع‌نامه‌های صنفی و سیاسی تقسیم کرده است. محتوای این دو باهم متفاوت است. خواسته‌های سیاسی نقطه اتصال این دو قطع‌نامه‌های مختلط یا ترکیبی است. در قطع‌نامه‌های ترکیبی اکثر مفاد از خواسته‌های صنفی شروع می‌شود و خواسته‌های سیاسی در سطح نازل، پراکنده و جزئی در بخش‌های پایانی مطرح می‌گردید هر چه به زمان پایانی عمر رژیم نزدیک می‌شد خواسته‌های سیاسی به‌تدریج پررنگ‌تر شده و از نظر محل قرار گرفتن نیز تغییراتی به خود دیده است. به‌خصوص در دو ماه پایانی عمر رژیم به نوعی با غیبت یا کاهش محسوس خواسته‌های صنفی روبه‌رو می‌شویم.

نوعی دیگر از دوگانگی، دوگانگی محتوایی نهفته در قطع‌نامه‌های سیاسی است که در جامه خواسته‌های سلبی و ایجابی خود را بروز داده است. قطع‌نامه‌های سیاسی نیز از نظر محتوا نوعی دوگانگی به همراه دارد. در این فرایند نیز خواسته‌های سلبی مقدم بر خواسته‌های ایجابی بوده است. رفته رفته تعادل برقرار شده و سپس جنبه‌های ایجابی خود را بیشتر نمایان کرده است. برای مثال، لغو حکومت نظامی، انحلال مجلسین، انحلال شورای سلطنت مقدم بر دیگران بوده جای آن‌ها را مواد ایجابی مانند رهبری امام خمینی، تشکیل دولت موقت، جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی گرفت. خروج شاه و ورود امام به کشور فرصت خوبی برای تغییر و دگردیسی در نگرش و مواضع مردم بوده است و خواسته‌های سیاسی ایجابی سیطره کاملی بر قطع‌نامه‌های پیدا کرد. این مراحل متعدد تغییر سطوح و کیفیت قطع‌نامه‌ها خود بیانگر پایان یک نظم و آغاز سامانی دیگر است. پس خواسته‌های انعکاس‌یافته در قطع‌نامه‌ها در یک فرایند پیچیده و چند بعدی از مواضع و مطالبات صنفی به سیاسی و از سلبی به ایجابی تغییر یافته است.

روند دگرگونی مطالبات سیاسی نیز چشمگیر و معنادار است که از آن به روند مطالبات «در نظام و از نظام» به «بر نظام» تعبیر کرد. در مراحل آغازین مطالبات سیاسی تغییر در ساختارها و نهادهای درون نظام سیاسی بود. مثلاً، استقلال دانشگاه‌ها، رادیو و تلویزیون، استقلال قوه قضاییه، عدم تبعیض بین کارمندان، انحلال نهادهای مدنی فرمایشی و... از جمله خواسته‌های سلبی درون نظام است. اما هر چه زمان می‌گذشت و سرعت تحولات انقلابی افزایش می‌یافت و نهادهای حکومتی کنترل بحران را از دست می‌دهند روند خواسته‌ها نیز متحول شده بر تغییر نظام سیاسی تأکید می‌شود. جدول ۱۶ نشان می‌دهد که در سه ماهه اول شاخص هفت‌گانه «ماهیت سلطنت پهلوی» تنها ۱۶ فراوانی کسب کرده، در حالی که در سه ماهه دوم ۷۶ فراوانی به دست آورده است. چنین تغییر معنادار در مطالبات ایجابی سیاسی نیز به چشم می‌خورد، در روند افزایش بحران مطالبات سیاسی ایجابی از برقراری آزادی‌های سیاسی، استقلال، رفع تبعیض و غیره از چارچوب نهادهای مستقر خارج شده در قالب‌های دیگر حکومتی جست‌وجو می‌شود که جدول ۱۹ انواع حکومت‌های بدیل را نشان می‌دهد. نوع حکومت آینده در سه ماهه اول تنها ۵ فراوانی و سه ماهه دوم ۵۰ فراوانی را کسب کرده است. پس می‌توان روند خواسته‌های سلبی و ایجابی تنظیم‌کنندگان قطع‌نامه‌ها را روند منطقی ارزیابی کرد.

منابع

الف: کتاب‌ها و مقالات

- اباذری، رحیم (۱۳۸۰)، *انقلاب اسلامی در میانه*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- افاضاتی، علی (۱۳۸۴)، *انقلاب اسلامی در سیرجان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵)، *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمینی دوزی سرخابی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی شعارهای انقلاب اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- بایدار، حسین و پروان، بیژن (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی در یجنورد*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۶)، «*هویت ملی در شعارهای انقلاب اسلامی*»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال هشتم، ش ۳۱، صص ۳-۳۰.
- حسن‌زاده، اسماعیل، *انقلاب اسلامی در مرند*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زیر چاپ.
- رایف، دانیل، لیبی، استفن، فیکو، فردریک (۱۳۸۱)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوی کمی در تحقیق*، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران.
- دانشگاه تبریز (۱۳۷۸)، *بیانیه‌های دانشگاهیان تبریز در جریان انقلاب اسلامی*، تبریز دانشگاه تبریز.
- زرینی، حسین (۱۳۸۴)، *نهاوند در انقلاب*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- روحانی، حمید (۱۳۷۴)، *اسناد انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روحانی، حمید (۱۳۸۲)، *نهضت امام خمینی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صفری، حسین، *انقلاب اسلامی در رفسنجان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زیر چاپ.
- طاهری خرم‌آبادی، سیدحسن (۱۳۸۴)، *خاطرات*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علم، محمدرضا (۱۳۸۶)، *انقلاب اسلامی در اهواز*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۴)، *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران، نشر نی.
- گر، تدرابرت (۱۳۷۸)، *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ممیز، مرتضی (۱۳۶۳)، *تصاویر و دیوار نوشته‌های انقلاب*، تهران، علمی و فرهنگی.
- مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۳۷۷)، *خمین در انقلاب اسلامی*، ج اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۹)، *فرهنگ شعارهای انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ب: مراکز آرشیویی

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- آرشیو اسناد و مدارک انقلاب اسلامی

ج: روزنامه‌ها

- روزنامه اطلاعات، شماره‌های مهر تا بهمن ۱۳۵۷.
- روزنامه کیهان، شماره‌های مهر تا بهمن ۱۳۵۷.